



سرلشکر علی عبداللہی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) در آیین تجلیل از مجاہدتہای وزیر شہید، سرلشکر خلیان عزیز نصیرزادہ و معارفہ مہرداد اخلاقی کتابچی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، با گرمی داشت یاد و خاطره شہدای انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح، بر ضرورت بہرہ گیری از درس موختمہای جنگہای اخیر، ارتقای آمادگی دفاعی، تقویت بازدارندگی و حمایت از معیشت کارکنان نیروهای مسلح تأکید کرد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) در ابتدای سخنان خود با تجلیل از شخصیت، اخلاق، تدبیر و خدمات شہید سرلشکر خلیان عزیز نصیرزادہ، او را مدیری شایستہ و الگویی ارزشمند برای مجموعہ وزارت دفاع دانست و برای آن شہید والاقام، دیگر شہدای نیروهای مسلح و فرماندہان شہید علو درجات مسئلت کرد.

وی همچنین از تلاشہای سردار سید مجید ابن الرضا در دورہ مسئولیت سرپرستی وزارت دفاع قدردانی کرد و با اشارہ بہ آغاز مسئولیت مہرداد اخلاقی کتابچی، برای وی در انجام مأموریتہای خطیر این وزارتخانہ آرزوی توفیق کرد.

جنگہای اخیر؛ ضرورت بازنگری در آمادگی دفاعی سرلشکر عبداللہی با اشارہ بہ تحولات امنیتی و جنگہای اخیر، اظهار داشت: جمہوری اسلامی ایران آغازگر جنگ نبودہ و ہموارہ در برابر تعرض و تجاوز، از کشور و ملت خود دفاع کردہ است.

وی با بیان اینکہ تجربہ جنگہای اخیر، ضرورت بازنگری در شیوہهای آمادگی و مقابله با تہدیدہا را پیش از گذشتہ آشکار کردہ است، افزود: جنگہای آیندہ صرفاً بہ یک حوزہ محدود نخواہند بود و ابعاد ترکیبی، فناوریہ، اطلاعاتی و شناختی در آنہا نقش تعیین کنندہی دارند؛ از این رو، نیروهای مسلح باید با ثبت دقیق تجربہها و درس موختمہا، برای مواجہہ با تہدیدہای نوظہور برنامہریزی کنند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص)، انسجام ملی، ایستادگی مردم، ہمہانگی میان بخشہای مختلف نظام و تلاش نیروهای مسلح را از عوامل مہم عبور کشور از شرایط دشوار برشمرد و بر ضرورت حفظ این ہمبستگی تأکید کرد.

تقویت بازدارندگی با تکیہ بر فناوری و توان بومی وی با تأکید بر ضرورت افزایش قدرت بازدارندگی کشور، اظهار داشت: باید با شناخت دقیق تہدیدہا، ظرفیتہای دفاعی را متناسب با ماہیت جنگہای آیندہ ارتقا داد و در حوزہهایی همچون موشکی، پہپادی، پدافند ہوایی، تہیزرات دریایی، الکترونیک و ارتباطات، توسعہ فناوری و افزایش دقت و اثربخشی تہیزرات را با جدیت دنبال کرد.

سرلشکر عبداللہی با اشارہ بہ اہمیت بہرہ گیری از فناوریہای نوین، ہوش مصنوعی و دانشہای پیشرفتہ، خواستار برنامہریزی کارشناسی برای استفادہ مؤثر از این ظرفیتہا در نیروهای مسلح شد و افزود: حرکت در لہ دانش، ارتقای کیفیت تہیزرات و توجہ ہمزمان بہ ہزینہ و کارآمدی، از الزامات تقویت توان دفاعی کشور است.

وی همچنین بر ضرورت استفادہ حداکثری از ظرفیت شرکتہای دانش بنیان، بخش خصوصی و شبکہ همکاران صنعتی تأکید کرد و توجہ بہ سرمایہ انسانی متخصص، متعہد و بالگیرہ را از عوامل اصلی پیشرفت مجموعہ دفاعی دانست.

دفاع اقتصادی و افزایش بہرہوری

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تأکید بر اہمیت اقتصاد دفاعی، اظهار داشت: باید منابع و امکانات کشور بہگونہای مدیریت شوند کہ بیشترین اثر را در افزایش توان دفاعی داشته باشند. وی مولدسازی داراییہای غیرمولد، ارتقای بہرہوری، کاش ہزینہها و ہدایت منابع بہ سمت مأموریتہای اولویتدار را ضروری دانست و بر لزوم توجہ بہ سیاست «یک تیر، یک ہدف» و افزایش دقت و اثربخشی تہیزرات تأکید کرد.

تنگناهای گامسین

عراقچی: نگرانی درباره ناامنی در دریای خزر داریم
اقدامات در این منطقه باعث مشکلات محیط زیستی خواهد شد

جراحی خاموش در باک خودروها

مہارفاکتور ۱۲ میلیارد دلاری واردات بنزین

جنگ با ایران

قمار مرگبار ترامپ در سایہ بن بستہای نتانیاہو

مصر در مسیر تکرار تجربہ سودان

ادامہ سیاست توسل ریاض بہ ارتشہای خارجی



عربستان در تله استراتژیک یمن

یمنی‌ها با حملات شدید و بی‌سابقه خود در عمق خاک عربستان، همزمان با پیروزی‌های بی‌دری در مناطق اشغالی و آزادسازی آنها از شر اشغالگران و مزدوران سعودی، همچنان در حال تحمیل معادلات جدید با هدف لغو محاصره تحمیلی و تجاوزات عربستان علیه یمن هستند. هدف قرار دادن عمق خاک عربستان و زیرساخت‌های نفتی و فرودگاه‌های این کشور تا ستاد عملیات نظامی سعودی‌ها در عدن بیانگر آن است که پاسخ صنعا به تجاوزات و محاصره عربستان ضد یمن، از چارچوب انتقام نظامی سنتی فراتر می‌رود و معادلات میدانی جدیدی را تحمیل می‌کند: «ریاض در برابر صنعا»، «فرودگاه در برابر فرودگاه»، «نفت در برابر نفت» و «محاصره در برابر محاصره».

این تحولات، ریاض را با سؤالاتی در مورد هزینه تشدید تنش و محدودیت‌های توانایی‌اش برای مهار آن مواجه می‌کند، شهر عدن شاهد حمله‌ای بود که مجاورت کاخ معاشیق را، محل استقرار ستاد عملیات نظامی عربستان سعودی، هدف قرار داد که در نوع خود یک عملیات بی‌سابقه از سوی نیروهای مسلح یمن بود. در این زمینه سرتیپ عبدالسلام سفیان، کارشناس نظامی و استراتژیک یمنی، در گفتگو با المیادین اظهار داشت که اهمیت این عملیات در زمان‌بندی آن نهفته است که برای عربستان سعودی بسیار حساس است و افزود: این عملیات یمنی‌ها همزمان با اعلام آغاز عملیات ائتلاف سعودی موسوم به «فجر یمن» آغاز شد که نتیجه معکوس برای عربستان داشت، عملیاتی که نیروهای مسلح یمن در عدن اجرا کردند بدلیل حجم خسارات وارده به رژیم سعودی از نظر افسران، سربازان و بسیاری از سرکردگان گروه‌های شبه‌نظامی مسلح، باعث سرگردمی شدید میان مزدوران در داخل یمن خواهد شد.

این کارشناس نظامی و راهبردی یمنی تأکید کرد که این عملیات با وجود مختصر به فرد بودن، اما آخرین عملیات نخواهد بود و همین امر نگرانی عمده‌ای میان افسران سعودی و دولت مزدور مستقر در عدن به‌وجود آورد که احساس می‌کردند از درگیری مصون هستند و اتاق عملیات در عدن دور از دسترس حمله است.

وی تصریح کرد: صنعا با جمع‌آوری دقیق اطلاعات و داده‌های میدانی دقیق، توانایی خود را برای انجام چنین عملیات‌هایی که نقطه عطفی خواهد بود ثابت کرده است.

عبارت «ریاض مقابل صنعا» صرفاً یک شعار سیاسی نیست، بلکه بیانگر تلاش برای تعریف مجدد رابطه بین حمله و انتقام است و تضمین می‌کند که طبق دیدگاه مطرح‌شده توسط رهبری صنعا، دیگر تنها هدف داخل خاک یمن نباشد. در اینجا، پیام نظامی با پیام سیاسی در هم می‌آمیزد: صنعا می‌خواهد نشان دهد که ادامه جنگ بدون عواقب برای داخل عربستان نخواهد بود.

سرتیپ عبدالسلام سفیان در مورد این معادله گفت که این معادله جدید یمن تحت عنوان پایتخت در برابر پایتخت، عربستان سعودی را مجبور کرده است قبل از شروع حملات خود دو بار فکر کند و بارها محاسباتش را مورد تجدیدنظر قرار دهد. این معادله امروز به هدف خود رسیده و نتایج آن برای همه در صحنه مشهود است.

نیروهای مسلح یمن همچنین در چارچوب پاسخ به تجاوزات و محاصره عربستان علیه فرودگاه‌ها، معادله فرودگاه در برابر فرودگاه را به دشمن سعودی تحمیل کرده و با حملات مکرر به فرودگاه‌های این کشور که برجسته‌ترین آنها فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض است، عملاً بر ترافیک هوایی عربستان مسلط شده است و خطوط هوایی بین‌المللی جرئت پرواز در این کشور را ندارند.

این معادله ناشی از فرمولی است که توسط سید عبدالملک الحوثی، رهبر جنبش انصارالله، در جولای ۲۰۲۶ اعلام شد و فرودگاه ریاض را موازی با فرودگاه صنعا دانست: به این معنا که اگر فرودگاه صنعا امنیت نداشته باشد، فرودگاه‌های ریاض هم امن نخواهد بود.

در این راستا در ۵ اکتبر، نیروهای مسلح یمن اعلام کردند که سه عملیات را با هدف قرار دادن مکان‌هایی در داخل عربستان سعودی، از جمله فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض، پالایشگاه آرامکو در رابغ و مکان‌های نظامی انجام داده‌اند. سپس، در ۱۱ اکتبر، نیروهای مسلح یمن عملیات‌های بیشتری را با هدف قرار دادن فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض و فرودگاه بین‌المللی ملک فهد در مام و همچنین تأسیسات مربوط به بخش انرژی، از جمله کارخانه گاز ششم و تأسیسات نفتی تنجیب اعلام کردند.

از نظر نظامی، هدف قرار دادن فرودگاه‌ها پیامدهای فراتر از خسارات مادی بالقوه دارد. فرودگاه‌ها یک تأسیسات غیرنظامی، اقتصادی و حاکمیتی است و هرگونه تهدید امنیتی پیرامون آن می‌تواند اقدامات احتیاطی را ضروری کند و بر ترافیک هوایی، شرکت‌های حمل‌ونقل، بیمه و اعتماد مسافران تأثیر بگذارد. این حال، تأثیر واقعی به ماهیت حمله، موفقیت پدافند هوایی در رهگیری آن، میزان خسارت و مدت زمان لازم برای ازسریزی فعالیت تأسیسات بستگی دارد. علاوه بر آن، تهدید مداوم علیه فرودگاه‌ها حتی در مواردی که حملات، خسارت قابل‌توجهی ایجاد نمی‌کنند، بدلیل تعطیلی موقت، تسخیر مسیر پرواز و افزایش سطح هشدار، می‌تواند هزینه‌هایی را تحمیل کند. در این زمینه عبدالسلام سفیان، کارشناس یمنی اظهار داشت که عربستان نمی‌تواند فرودگاه‌های خود را همچنان بسته نگه دارد و این معادله یمنی‌ها برای عربستان بسیار خطرناک است، زیرا باعث انزوای بین‌المللی آن از نظر ترافیک هوایی می‌شود.

نفت در برابر نفت: فشار بر شریان حیاتی اقتصاد عربستان

اگر فرودگاه‌ها دروازه ترافیک هوایی باشند، تأسیسات نفتی یکی از برجسته‌ترین کلیدهای فشار اقتصادی در این رویارویی هستند. راهبردهای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی، از ماهیت بخش انرژی عربستان سعودی ناشی می‌شود که اهمیت آن محدود به درآمدهای نفتی نیست، بلکه به صادرات سرمایه‌گذاری، زنجیره‌های تأمین و ادغام با بازارهای جهانی نیز گسترش می‌یابد. در همین زمینه هرگونه اختلال گسترده یا پایدار در تأسیسات تولید، فراوری یا صادرات می‌تواند نگرانی‌هایی را در مورد عرضه ایجاد کند و بر انتظارات بازار و قیمت نفت تأثیر بگذارد. به‌ویژه اگر با تنش‌ها در مسیرهای دریایی حیاتی همزمان شود.

طائب: آمریکا از جنگ مستقیم به جنگ نیابتی روی آورد



توازن قوا در حوزه تاب‌آوری تبدیل شده است. اگر آمریکایی‌ها فکر می‌کنند با تحریم و محاصره می‌توانند ملت ما را تضعیف کنند، امروز بسته نگذاشتن تنگه هرمز به تنظیم‌کننده اقتصاد جهان بدل شده است. وی تصریح کرد: آن‌ها تمام تلاششان را کردند و گفتند ایران دیگر نیروی دریایی و نیروی هوایی ندارد و ناوهای‌شان را به منطقه آوردند؛ اما امروز حاضر نیستند آمار مراجعات سربازانشان در کشتی‌ها و پایگاه‌ها را به پزشکان روان‌شناس اعلام کنند. حجم روان‌شناسی که دارند به پایگاه‌ها و ناوهای خود می‌آورند بالاست؛ چرا؟ چون این نیروهای که به منطقه آوردند کشته شدند. در جنگ سال ۲۰۰۱، آمریکایی‌ها مجبور شدند دوسوم نیروی خود را بیاورند و در منطقه بچرخانند؛ خروجی‌اش چه شد؟ ۸ تریلیون دلار در آن جنگ هزینه کردند، اما خروجی چه شد؟ در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ وارد افغانستان و عراق شدند، اما در سال ۲۰۲۵ مجبور شدند با کلی خسارت مادی و فرسایش نیروی انسانی، جمع کنند و بیرون برون‌رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: آمریکایی‌ها گفتند: «در جنگ با ایران، تجربه افغانستان و عراق را رعایت می‌کنیم و از طریق نبرد هوایی و دریایی، جمهوری اسلامی را به تسلیم می‌کشانیم.» تمام قماشان را آوردند؛ بیش از ۵۰۰ فرود هواپیما در منطقه مستقر کردند و در روزهای جنگی پرواز انجام می‌دادند و روزانه بیش از یک‌هزار تن بمب می‌ریختند؛ اما به کجا رسیدند؟ امروز مجبور شدند با احتیاط به گزاره جنگ نظامی توسل پیدا کنند. وی با اشاره به پیامدهای داخلی جنگ برای ایالات متحده خاطرنشان کرد: چرا جنگ نظامی، عقبه آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها را به مخاطره انداخته است؟ امروز مردم آمریکا در شهرها سؤال می‌کنند و تظاهرات راه می‌اندازند که: «چرا بچه‌های ما را برداشته و برده‌اید وارد جنگ کرده‌اید؟» دیشب در نظرسنجی خود آمریکایی‌ها، ۷۰ درصد مردم اعلام کردند: «جنگ با ایران برای ما ارزش و فایده‌ای نداشت.» طائب راجع به تیات جنگ اقتصادی بر زندگی شهروندان آمریکایی گفت: در حوزه جنگ اقتصادی می‌گفتند: «رفتید اقتصاد ایران را بهم‌بریزید، اما اقتصاد خود ما بهم‌ریخته است.» امروز در ایالات مختلف، فاصله دینار خانواده‌ها با فرزندانشان طولانی‌تر شده است. قیمت گازوئیل افزایش یافته، هزینه حمل‌ونقل بالا رفته و هزینه زندگی افزایش پیدا کرده است و این همان کاهش تاب‌آوری مردم آمریکا در برابر این سیاست‌ها است. وی با اشاره به آثار جنگ اقتصادی راه افتاده از سوی آمریکایی‌ها و غیرقابل پیش‌بینی بودن شیوه پاسخ ایران تصریح کرد: آثار این جنگی که آمریکایی‌ها در عرصه اقتصادی راه انداخته‌اند را دارند می‌بینند؛ چرا آمریکایی‌ها نمی‌آیند وارد جنگ مستقیم شوند؟ یک دلیلش عقب‌نشینی آن‌هاست و دلیل دوم، غیرقابل پیش‌بینی بودن شیوه دفاع ما در مرحله جدید است؛ اینکه در چه نقطه، با چه انرژی و با چه زمانی پاسخ می‌دهیم. لذا می‌بینید که اکثر سیستم‌های اطلاعاتی آمریکا رسماً در جهان اعلام می‌کنند پاسخ ایران در جنگ احتمالی بعدی غیرقابل پیش‌بینی است و فقط دست به گمانه‌زنی می‌زنند. وی افزود: آمریکایی‌ها پس به کجا رفتند؟ رفتند به سمت مسأله «تاب‌آوری»؛ ما هم در این جنگ به حوزه تاب‌آوری ورود کردیم، اما تاب‌آوری

حجت‌الاسلام حسین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین در هشتمین نشست جهاد تبیین که در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برگزار شد، با اشاره به تحولات اخیر و شکست محاسباتی دشمنان در برابر جمهوری اسلامی ایران، اظهار داشت: آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها پس از آنکه در حوزه نظامی شکست را پذیرفتند و فکر می‌کردند مقاومت ملت ایران پایین آمده است، تصور می‌کردند می‌توانند در یک جنگ سرعروزه یا شش‌هفته‌ای ملت ما را به تسلیم بکشانند.

وی افزود: در اسناد مشترک رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمده است که سیستم‌های اطلاعاتی‌شان پیش‌بینی کرده بودند اگر مقام معظم رهبری و فرماندهی‌کل قوا به شهادت برسند، فرماندهان و لایه دوم فرماندهی هدف قرار گیرند و زیرساخت‌های دفاعی منهدم شوند، ظرف سه روز حکمرانی در ایران به هم می‌ریزد، دچار اختلال می‌شود و نظم عمومی از دست می‌رود تا ایران پای میز مذاکره بیاید، برآوردشان این بود که اگر کار در سه روز به نتیجه نرسد، تاب‌آوری ایران در یک جنگ شش‌هفته‌ای به پایان می‌رسد؛ ذخایر مهمات و موشک‌ها تمام می‌شود، وضعیت اقتصادی به هم می‌خورد و فشارهای امنیتی داخلی به‌وجود می‌آید تا در فاز دوم، کشور با دست خالی وارد مذاکره شود و تسلیم شود.

طائب با تأکید بر اینکه این برآوردها کاملاً غلط از آب درآمد، تصریح کرد: ملت و نیروهای مسلح ما سفت نشدند و ایستادگی کردند. آمریکایی‌ها فهمیدند که برآوردشان اشتباه بوده است. همان‌طور که جنگ آن‌ها برای یک دوره شش‌هفته‌ای برنامه‌ریزی شده بود، ذخایر مهمات، تاب‌آوری پدافند و موشک‌های «تاد» آن‌ها نیز روبه‌تمام بود. اگر یادتان باشد، در روزهای نخست، سپاه پاسداران برای عبور از پنج لایه پدافندی و نشانند موشک در سرزمین‌های اشغالی، به یک برنامه حجیم و طراحی پیچیده با استفاده از انواع موشک‌ها و پهپادها نیاز داشت تا تعدادی از آن‌ها به زمین بنشیند؛ اما در روزهای آخر وضعیت تغییر کرد و حجم استفاده ما از موشک‌ها نشان داد که موشک‌های شلیک‌شده مستقیماً به هدف اصابت می‌کنند. رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: این بدان معنا بود که تاب‌آوری نظامی آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها از بین رفته بود، در حالی که آن‌ها برآورد اشتباهی از تاب‌آوری دفاعی ما داشتند، به همین دلیل، نیروهای اروپایی و منطقه‌ای را واسطه کردند تا وارد آتش‌س‌ش شوند. برآوردشان این بود که با ورود به آتش‌س و بازگشت زندگی به روال عادی، جمهوری اسلامی برای حفظ این شرایط در مذاکرات تن به تسلیم می‌دهد و به یک تفاهم‌نامه می‌رسد؛ اما در همان تفاهم‌نامه احساس کردند که تاب‌آوری اجرای آن را ندارند. وی با اشاره به یکی از بندهای این تفاهم‌نامه مبنی بر مدیریت تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی ایران، گفت: هفته دوم این توافق اجرا شد، اما در هفته سوم به این نتیجه رسیدند که اگر این روند ادامه یابد، مدیریت جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز تثبیت خواهد شد؛ لذا بازی را بهم‌زد، ابتدا خواستند مسیر دیگری باز کنند که کشتی‌های جنگی‌شان به‌سرعت عبور کنند، اما مورد اصابت قرار گرفتند و مجبور به عقب‌نشینی شدند، سپس گفتند از طریق آسمان و با هلیکوپترها کشتی‌ها را عبور می‌دهند که در آن هم موفق نشدند. مجدداً جنگ دیگری در عرصه دریایی و سپس زمینی راه انداختند که در عرصه زمینی نیز مجبور به عقب‌نشینی شدند. طائب خاطرنشان کرد: امروز کار به جایی رسیده‌است که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها را هر دو در عوض کرده و از جنگ تمام‌عیار مستقیم به‌سمت گروه‌های نیابتی، پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، فشارهای اقتصادی و نام‌سازی روی آورداند و جنگ جدیدی را از این طریق به ملت ما آغاز کردند.

تنگه هرمز؛ ابزار تنظیم‌کننده توازن قوا و تاب‌آوری
طائب با تأکید بر اینکه «امروز رقابت، رقابت تاب‌آوری میان ما با آمریکا، رژیم صهیونیستی و دیگر کشورها است»، اضافه کرد: آن‌ها جمهوری اسلامی را محاصره و تحریم کردند و گفتند: «با تحریم و فشارهایی که می‌گذاریم، اقتصاد ایران ضعیف می‌شود.» اما غافل از اینکه امروز تنگه هرمز به یک ابزار تنظیم‌کننده



استفاده از شرکت های دانش بنیان

مهدی اسماعیلی نایب‌رئیس اول کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با اشاره به این موضوع که شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی هستند که در مجلس به آن‌ها توجه ویژه شده است، گفت: در مجلس یازدهم قانون حمایت از مراکز دانش‌بنیان تصویب شد. این موضوع نشان‌دهنده توجه مسئولان کشور به موضوع دانش‌بنیان‌هاست. وی ادامه داد: به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان هایتک از اهمیت بسزایی در کشور برخوردار هستند و به همین دلیل به یکی از مهم‌ترین اهداف دشمن در جنگ تحمیلی اخیر تبدیل شدند. رمز پیروزی کشور توجه به توانمندی‌های داخلی در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان است.

این نماینده مجلس خاطرنشان کرد: بانک‌ها ملزم شده‌اند بخشی از اعتبارات خود را در زمینه کمک به دانش‌بنیان‌ها هزینه کنند. اما در عمل می‌بینیم که این سیاست‌ها به درستی پیش نمی‌رود و دانش‌بنیان‌ها به موقع به اعتبارات دسترسی پیدا نمی‌کنند. اسماعیلی درخصوص لزوم تخصیص اعتبار برای حمایت از دانش‌بنیان‌های هایتک که برآورد می‌شود خسارت ۱۰۰ همتی از جنگ تحمیلی دیده‌اند، تصریح کرد: بانک مرکزی وظیفه دارد اعتباری را برای حمایت از دانش‌بنیان‌ها متناسب با خسارتی که دیده‌اند پیش‌بینی کند. تخصیص این اعتبار هزینه نیست، نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده اقتصاد ملی است. باید سریعاً منابع و خط اعتباری ویژه برای آغاز فرایند بازسازی شرکت‌های دانش‌بنیان و پرداخت تسهیلات حمایتی فوری و بدون بروکراسی آغاز شود. وی ادامه داد: اگر اخبار را پیگیری کنیم متوجه می‌شویم که هر روز خبری در خصوص دستاوردهای شرکت‌های دانش‌بنیان و از جمله دانش‌بنیان‌های هایتک منتشر می‌شود. این امر نشان‌دهنده اهمیت این شرکت‌ها برای کشور است. با توجه به این موضوعات، باید حمایت از آن‌ها در دستور کار جدی بانک مرکزی باشد.

نماینده ماینه در مجلس خاطرنشان کرد: مجلس قوانین لازم را برای حمایت از دانش‌بنیان‌ها تصویب کرده و دولت نیز مکلف شده است که حمایت جدی و همه‌جانبه خود را از شرکت‌های دانش‌بنیان به ویژه دانش‌بنیان‌های هایتک داشته باشد. این سیاست‌ها در راستای خودکفایی کشور و توانمندسازی ایران اسلامی است که در نهایت به افزایش تاب‌آوری کشور در شرایط سخت منجر می‌شود.

جنگ با ایران؛ قمار مرگبار ترامپ در سایه بن‌بست‌های نتانیا‌هو



کشورمان، از جمله مؤلفه‌هایی است که هر تصمیم نظامی علیه ایران را با ملاحظات جدی روبه‌رو می‌کند. همان‌گو که در جنگ های اخیرى مشخص شد و معادلات دشمن را بر هم زد.

در یک رویارویی احتمالی، مسئله صرفاً تعداد اهدافی نیست که مهاجم می‌تواند مورد حمله قرار دهد؛ بلکه باید احتمال پاسخ متقابل، استمرار عملیات، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی و تأثیر درگیری بر امنیت روابط و منافع آمریکا در منطقه را نیز در نظر گرفت. همچنین هرگونه گسترش درگیری می‌تواند بر محاسبات کشورهای منطقه تأثیر بگذارد. دولت‌هایی که روابط امنیتی با اقتصادی با آمریکا دارند، الزاماً علاقه‌مند نیستند هزینه‌های یک جنگ فراگیر را بپردازند؛ به‌ویژه اگر اختلال در صادرات انرژی، افزایش هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل و تشدید ناامنی منطقه‌ای بیش از چیزی که در حال حاضر وجود دارد افزایش یابد.

در این چارچوب، بازدارندگی صرفاً به برخورداری از تجهیزات نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه توان حفظ آمادگی، امکان پاسخ متناسب و مؤثر، پایداری زیرساخت‌ها و ارزیابی دقیق پیامدهای اقدام نظامی نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند.

قنادیاشی: اسرائیل در برابر آغاز جنگ جدید با تردیدهای جدی روبه‌رو است

جعفر قنادیاشی در گفت‌وگویی با اشاره به پیچیدگی شرایط امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی اظهار کرد: تصمیم‌گیران این رژیم درباره پیامدهای آغاز جنگی تازه با تردیدهای جدی روبه‌رو هستند و این تردیدها را می‌توان در پیوند میان محاسبات نظامی و تحولات سیاسی داخلی مشاهده کرد.

وی افزود: نتانیا‌هو از یک سو نگران است که ورود به درگیری نظامی با اصابت تنگنای یک موشک به تل‌آویو، افکار عمومی را علیه او بسیج کند و رأی‌دهندگان، وی را مسئول ناامنی و آغاز جنگ ببندند؛ موضوعی که می‌تواند موقعیت انتخاباتی او را تضعیف کند.

این کارشناس مسائل غرب آسیا ادامه داد: از سوی دیگر، خودداری از اقدام نظامی نیز به معنای برطرف شدن نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی نیست؛ زیرا پرونده‌های مهم منطقه‌ای همچنان باز مانده‌اند و تحولات غزه، لبنان و ایران بر محاسبات سیاسی و امنیتی تل‌آویو سایه انداخته‌اند.

با تهدید نظامی، ایران را تحت فشار قرار داد و از سوی دیگر، از ورود به درگیری‌ای که پایان و هزینه‌های آن روشن نیست، جلوگیری کرد. این دو هدف لزوماً با یکدیگر سازگار نیستند. افزایش تهدیدها ممکن است در کوتاهمدت به تشدید فشار روانی منجر شود، اما اگر طرف مقابل از تسلیم در برابر تهدید خودداری کند، اعتبار تهدیدکننده نیز در معرض آزمون قرار می‌گیرد.

در چنین شرایطی، ترامپ با یک دوراهی روبه‌رو است: عقب‌نشینی از تهدیدها می‌تواند از نگاه مخالفانش نشانه ناکامی در اعمال فشار تلقی شود و عملیاتی کردن آنها نیز ممکن است آمریکا را وارد مسیری کند که کنترل ابعاد و مدت آن به‌آسانی امکان‌پذیر نباشد. این همان نقطه‌ای است که تهدید نظامی می‌تواند از ابزار فشار به یک قمار سیاسی و امنیتی تبدیل شود؛ قماری که در آن، هزینه شکست احتمالی بسیار فراتر از دستاوردهای تبلیغاتی یک عملیات محدود خواهد بود.

نتانیا‌هو؛ میان ملاحظات امنیتی و بقای سیاسی
در سوی دیگر این معادله، بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، با مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی و سیاسی مواجه است. تحولات پس از عملیات هفتم اکتبر، پیامدهای امنیتی غزه، وضعیت جبهه شمالی و تداوم نگرانی‌ها درباره توانمندی‌های محور مقاومت، فشارهای سنگینی بر ساختار سیاسی و امنیتی این رژیم وارد کرده است. در کنار این مسائل، مناقشات داخلی و پرونده‌های قضایی نتانیا‌هو و البته انتخابات پیشرو نیز از جمله عواملی است که بر فضای سیاسی سرزمین‌های اشغالی سایه انداخته است. در چنین وضعیتی، تشدید تنش با ایران می‌تواند برای دولت نتانیا‌هو دو کارکرد متفاوت داشته باشد: از یک سو، با برجسته کردن تهدید خارجی، مسئله امنیت را به محور اصلی فضای سیاسی تبدیل کند و همان‌گونه که کارشناسان مختلف اعلام کرده‌اند، این به این بهانه انتخابات را به عقب بیندازد و از سوی دیگر، در صورت ناکامی نظامی، فشارها بر دولت او را افزایش دهد.

البته نسبت دادن تمام تحرکات نظامی تل‌آویو به ملاحظات بقای سیاسی نتانیا‌هو، بدون توجه به محاسبات امنیتی این رژیم، تصویر کاملی از واقعیت ارائه نمی‌کند. با این حال، نمی‌توان تأثیر رقابت‌های داخلی، نگرانی‌های انتخاباتی و تلاش برای بازسازی اعتبار بازدارندگی رژیم صهیونیستی را بر تصمیم‌گیری‌های آن نادیده گرفت.

نتانیا‌هو در این میان با یک تناقض اساسی مواجه است: خودداری از اقدام نظامی ممکن است از سوی مخالفانش نشانه ناتوانی در مهار تهدیدها معرفی شود و ورود به جنگ نیز خطر پاسخ متقابل ایران و گسترش دامنه درگیری را افزایش می‌دهد. بنابراین، آغاز جنگ لزوماً به معنای خروج از بن‌بست نیست؛ چه‌جا تصمیمی باشد که ابعاد تازایی به آن اضافه کند.

بازدارندگی ایران و دشواری محاسبات دشمن
یکی از عوامل تعیین‌کننده در محاسبات آمریکا و رژیم صهیونیستی، توانایی ایران برای پاسخ‌گویی به حملات احتمالی است. برخورداری از توان موشکی و پهپادی، ظرفیت‌های دفاعی و موقعیت راهبردی

تهدیدهای تازه دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران در شرایطی مطرح می‌شود که واشنگتن و تل‌آویو با مجموعه‌ای از ملاحظات امنیتی، سیاسی و اقتصادی روبه‌رو هستند. محاسبات نظامی ایران، نگرانی از گسترش دامنه درگیری و تردید درباره پیامدهای یک رویارویی تازه، تصمیم به آغاز جنگ را به قلمرو پر هزینه تبدیل کرده است؛ قمارى که نه نتیجه آن قابل پیش‌بینی است و نه مهار پیامدهای آن برای آمریکا و رژیم صهیونیستی تضمین شده.

تهدید به استفاده از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر به یکی از محورهای ادبیات سیاسی واشنگتن و تل‌آویو تبدیل شده است. دونالد ترامپ که بارها کوشیده است با ترکیبی از فشار اقتصادی، تهدید نظامی و نمایش قدرت، طرف مقابل را به پذیرش خواسته‌های خود وادار کند، این بار نیز در شرایطی از احتمال رویارویی سخن می‌گوید که هر گونه ماجرایی نظامی علیه ایران می‌تواند دامنه‌ای فراتر از محاسبات اولیه طراحان آن پیدا کند همان‌گونه که در دو جنگ ۱۲ روزه ۴۰ روزه و البته درگیری‌های تنگه هرمز به خوبی آشکار شد.

در نگاه نخست، این تهدیدها ممکن است بخشی از راهبرد فشار برای تغییر رفتار تهران به نظر برسد؛ اما بررسی ملاحظات امنیتی و سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی و البته پاسخ‌های ویرانگر ایران در جنگ‌های اخیر نشان می‌دهد که فاصله قابل تهدید لفظی و آغاز جنگ، فاصله‌ای معنادار است. ایران به خوبی آشکار کرد که قدرت نظامی دشمن، به‌تنهایی تضمین‌کننده پیروزی آن نیست و تجربه درگیری‌های پیشین نیز نشان داده است که آغاز یک عملیات نظامی، لزوماً به تحقق اهداف سیاسی طراحان آن منجر نمی‌شود.

از این منظر، مسئله اصلی صرفاً احتمال تکرار حمله نظامی نیست؛ بلکه باید دید آمریکا و رژیم صهیونیستی تا چه اندازه برای پذیرش هزینه‌های یک درگیری تازه آمادگی دارند و آیا می‌توانند پیامدهای احتمالی آن را در محدودهای که خود تعیین می‌کنند، نگه دارند؟

قمار ترامپ با هزینه‌های نامعلوم
دونالد ترامپ همواره کوشیده است خود را سیاستمداری معامله‌گر معرفی کند؛ کسی که با افزایش فشار بر طرف مقابل، امتیازهای بیشتری به دست می‌آورد و در نهایت نتیجه را به سود خود تغییر می‌دهد. این الگو در سیاست خارجی او نیز نمود داشته است؛ از تحریریه‌های گسترده گرفته تا تهدید به اقدام نظامی و استفاده از ادبیات تند علیه دولت‌هایی که با خواسته‌های واشنگتن همراه نیستند.

با این حال، مواجهه با جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان به یک معامله معمولی یا عملیات نظامی محدود تقلیل داد. هرگونه حمله تازه، با توجه به ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی ایران، موقعیت جغرافیایی کشورمان و اهمیت راهبردی منطقه، می‌تواند مجموعه‌ای از پیامدهای زنجیره‌ای را به دنبال داشته باشد؛ پیامدهایی که تنها به میدان نبرد محدود نمی‌ماند و ممکن است امنیت منطقه، بازارهای انرژی، تجارت بین‌المللی و حتی محاسبات متحذلان آمریکا را تحت تأثیر قرار دهند. همان‌گونه که در جنگ‌های اخیر به خوبی مشاهده شد.

برای واشنگتن، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از یک سو

بُت‌سازی از ملاصدرا، به حذف اندیشه‌ی او می‌انجامد



میرزا آسقاخان قاجار، مؤلف کتاب «تذکره‌ی آصفی»

خوانش انتقادی ملاصدرا به معنای انکار اهمیت او نیست؛ برعکس، هر اندیشه زنده‌ای باید بتواند در معرض پرسش قرار گیرد. اگر ملاصدرا فقط موضوع بزرگداشت باشد، به شخصیت تاریخی تبدیل می‌شود؛ اما اگر همچنان موضوع پرسش فلسفی باشد، می‌تواند در تولید اندیشه جدید نقش ایفا کند. نقد معاصر ملاصدرا را می‌توان در چند سطح دنبال کرد.در لایه نقد مفهوم، باید مفاهیم اصلی حکمت متعالیه را از نو تحلیل کرد. آیا «وجود» در فلسفه ملاصدرا همان معنایی را دارد که در هستی‌شناسی‌های جدید از «بودن» مراد می‌شود؟ آیا «حرکت جوهری» را می‌توان بدون تغییر معنا به «فرایند» یا «شنن» ترجمه کرد؟ آیا «تشکیک» با مفهوم سلسله‌مراتب ارزش یا شدت وجود یکی است؟ ترجمه مفاهیم صدرایی به زبان فلسفه معاصر باید ترجمه‌ای انتقادی باشد، نه جایگزینی لفظی. اگر حرکت جوهری را بی‌درنگ با دیالکتیک هگل یکی بدانیم، تفاوت‌های بنیادین میان دو دستگاه فکری نادیده گرفته خواهد شد.در لایه معرفت‌شناختی، بایست توجه داشت که در حکمت متعالیه، معرفت شهودی و علم حضوری جایگاه ممتازی دارد. این امر از یک سو امکان نقد معرفت صرفاً بازمانیانه و اطلاعات‌محور را فراهم می‌کند؛ اما از سوی دیگر، پرسش‌هایی درباره معیار اعتبار تجربه درونی پدید می‌آورد. برای مثال چگونه می‌توان میان تجربه حضوری معتبر، توهم شخصی، تفسیر فرهنگی و ادعای اقتدار معنوی تمایز گذاشت؟ آیا هر ادعای شهودی به دلیل حضوری بودن، از نقد بینادهنی مصون است؟ اگر چنین باشد، امکان گفت‌وگوی عمومی فلسفی تضعیف می‌شود. بنابراین، بازسازی معاصر علم حضوری نیازمند پیوند آن با معیارهای زبانی، اخلاقی و بینادهنی است.

در سطوح فلسفه سیاسی نیز می‌توان گفت که هرچند حکمت متعالیه

در تاریخ اندیشه اسلامی، بسیاری از فیلسوفان، متکلمان و عارفان پیش از ملاصدرا درباره وجود، ماهیت، نفس، علم، خدا، جهان و معاد سخن گفته بودند. ابن‌سینا دستگاهی منسجم از فلسفه مشاء فراهم کرده بود؛ سهروردی با نقد هستی‌شناسی مشائی، حکمت اشراق را بر محور نور و شهود بنا نهاده بود؛ ابن‌عربی افق تازه‌ای در عرفان نظری گشوده بود؛ و متکلمان نیز با تکیه بر حدوث عالم، صفات الهی، قدرت، اراده و معاد، دستگاهی متفاوت از عقلانیت دینی عرضه کرده بودند. ملاصدرا در برابر این میراث عظیم، نه در موقعیت آغاز مطلق قرار داشت و نه صرفاً در مقام شارح و مدافع بود.مسئله اصلی او این بود که چگونه می‌توان میان این منابع گوناگون نسبت برقرار کرد، بدون آن‌که تفاوت‌های بنیادی آن‌ها از میان برود. از همین‌رو، حکمت متعالیه را نمی‌توان صرفاً «تلفیق» فلسفه مشاء، حکمت اشراق، عرفان ابن‌عربی و کلام شیعی دانست. تلفیق، در معنای ساده، کنار هم نهادن عناصر متفاوت است؛ حال آن‌که کار ملاصدرا بیشتر به بازسازی ساختاری شباهت دارد. او مفاهیم پیشین را در دستگاهی تازه وارد کرد، جایگاه آن‌ها را تغییر داد، برخی را به مبنای نظریه‌ای دیگر تبدیل کرد و در مواردی، خوانش خود از یک متفکر را به بخشی از منطق دستگاه خویش بدل ساخت.

از این منظر، پرسش اساسی امروز چنین است: آیا می‌توان همان کاری را که ملاصدرا با میراث پیش از خود انجام داد، با خود او انجام داد؟ به بیان دیگر، آیا وفاداری به ملاصدرا به معنای تکرار اصطلاحات اوست یا به معنای بازسازی انتقادی پروژه او در نسبت با مسائل جدید؟

ملاصدرا؛ فیلسوفی انتقادی

در توصیف رایج، ملاصدرا فیلسوفی است که چهار جریان اصلی را در یک نظام گرد آورده است: مشاء، اشراق، عرفان و کلام. این توصیف از جیتی درست است، اما اگر در همین سطح باقی بماند، تفاوت میان «جمع منابع» و «تغییر مینا» را نادیده می‌گیرد. ملاصدرا در بسیاری از آثار خود با مسائل و اصطلاحات سنت‌های پیشین درگیر می‌شود. این درگیری غالباً سه مرحله دارد:

- بازسازی دیدگاه رقیب
- استخراج پیامدهای آن دیدگاه؛
- نقد آن بر پایه اصل یا دستگاهی بنیادی‌تر

بنابراین، روش ملاصدرا صرفاً نقل اقوال و داوری میان آن‌ها نیست. او می‌کوشد نشان دهد که هر نظریه، بر چه تلقی‌ای از وجود، علم، علیت، نفس یا خدا استوار است. از این‌رو، نقد او به ابن‌سینا یا سهروردی، بهره‌گیری از ظرفیت عرفان و نگرش نقادانه به متکلمین در بسیاری از موارد، نقد یک گزاره منفرد نیست؛ بلکه نقد شبکه‌ای از مفاهیم است. ملاصدرا به تمام پرسش‌های مطروحه از سوی اندیشمندان پیش از خود، پاسخ‌های خاص خود را داده است اما خوانش معاصر باید آن‌ها را دوباره بگشاید. مهم نیست که ملاصدرا را فیلسوفی بدانیم که عرفان را عقلانی کرده یا عارفانه‌ترین فیلسوف مسلمان بدانیم؛ مسئله اساسی آن است که نسبت میان برهان، شهود و وحی در دستگاه او چگونه برقرار شده و آیا این نسبت می‌تواند در فضای معرفتی معاصر بدون بازسازی باقی بماند.

چرا امروز باید ملاصدرا را نقادانه خواند؟



■ محمد آذین، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت، در مصاحبه اختصاصی با سرویس اندیشه حور مرزبندی آموزش و تربیت، به بررسی دیدگاه‌های مختلف و پیامدهای عملی این تفکیک در نظام آموزشی ایران پرداخت. وی تأکید کرد موضوع آموزش و تربیت پس از انقلاب همواره محل بحث بوده و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد درهم‌تنیدگی یا تفکیک آن‌ها وجود دارد.آذین گفت: بعضی معتقدند تعلیم و تربیت باید درهم‌تنیده دیده شوند و نباید تفکیک شوند. بعضی معتقدند اساساً درهم‌تنیداند و قابل تفکیک نیستند. بعضی هم معتقدند باید تقریباً تفکیک شوند و تربیت را در حد آموزش‌هایی از جنس مهارت‌های شهروندی و اخلاقی محفل شهروندی ببینیم و اگر حس می‌کنیم سوز‌های ایدئولوژیک پیدا می‌کند، مراقبت کنیم به آن سمت نرویم. اگر اهداف نظام جمهوری اسلامی را در نظر بگیریم و بگوییم ما نظامی ایدئولوژیک هستیم و نظام آموزش و پرورش‌مان هم به تبع آن ایدئولوژیک خواهد بود، دیدگاه‌هایی که می‌گویند تعلیم و تربیت باید غیرایدئولوژیک باشد را باید کنار گذاشت. ما یک قله نظام ارزشی و آرمانی داریم و رشد جامعه را با نزدیک شدن به آن قله ارزیابی می‌کنیم. پس حتماً باید فکری برای پاسخ به این پرسش بکنیم و جایی جمع‌بندی و تصمیم بگیریم.وی در پاسخ به این پرسش که مرز میان آموزش و تربیت در نظام آموزشی امروز ایران تا چه اندازه واقعی و تا چه اندازه محصول تفکیک کارکردی نهادهای مدرن است، اظهار داشت: به دلایل مختلفی موضوع پرورش و آموزش محل نزاع بوده و تلاش شده از هم تفکیک شوند. در ساختار رسمی محل نزاع بوده از این جهت که متخصصین برنامه درسی به جهت پشتوانه آکادمیکی که این حوزه دارد و آشنخورش ایدئولوژیک و دینی نیست، مرزبندی برای خود قائل‌اند. معتقدند اگر تاریخ برنامه درسی را طراحی می‌کنیم، خیلی ربطی به دین ندارد و روایتی که دین از تاریخ می‌کند روایت دینی است، ما بر اساس چارچوب‌های دیسیپلین تاریخ صحبت می‌کنیم. وقتی از یک نهاد آکادمیک سکولار شروع می‌کنیم و دانش تخصصی تغییر برنامه درسی را آموزش می‌دهیم، خوبه‌خود این اتفاق می‌افتد و دین بر برنامه‌های درسی که مستقیماً معارف نیست، خارج از حوزه دیده می‌شود.

آذین افزود: از آن سمت کسانی که درگیر حوزه‌های تربیت دینی‌اند، نه آموزش اخلاقی شهروندی و مهارت‌های زندگی که محل مناقشه نیست، احساس می‌کنند این‌ها خیلی ربطی به درس مختلف ندارد و برای خود حیطه‌ای مشخص می‌کنند. انگار حیطه‌ها برای قدرت بیشتر و اثرگذاری پررنگ‌تر با هم در نزاع و تعادل‌هایی رسیده‌اند. نتیجه این شده که در مدرسه یک سری درس داریم که هر کدام حوزه برنامه درسی خود را دارند و یک حوزه پرورشی جدا که حیطه جدایی برای خود است. اینجا کسی که آسیب می‌بند پرورشی است؛ چون پشتوانه آکادمیک ندارد، اتصال به دانشگاه ندارد، نمرة ندارد، زنگ درسی ندارد و عملاً مربی یا معاون پرورشی نقش حاشیه‌ای پیدا می‌کند که کسی تحویلش نمی‌گیرد و هرچه جلوتر رفته تضعیف شده است.وی به تاریخچه معاونت پرورشی اشاره کرد و گفت: در لایه ستاد هم در دوره دولت آقای خاتمی معاونت پرورشی حذف شد. بعد اعتراضی از سمت رهبری شکل گرفت. آن اعتراض شاید به اصل کم‌رنگ دیدن پرورشی بود و لزوماً توصیه به افزودن معاونت نبود؛ فرمایش این بود که تمرکزی روی این حوزه باید باشد. درست است همه درس می‌تواند به پرورش بپردازند اما این

دستگاهی کامل در فلسفه سیاسی به معنای جدید کلمه نیست اما در آثار ملاصدرا، عناصر مهمی درباره فضیلت، سعادت، کمال نفس، حکمت عملی و نسبت انسان با نظم الهی وجود دارد؛ اما نمی‌توان بدون واسطه از آن‌ها نظریه‌ای کامل درباره دولت‌مدرن، حقوق شهروندی، آزادی، عدالت نهادی یا جامعه مدنی استخراج کرد. ازاین‌رو، هر گونه استفاده فلسفه سیاسی از ملاصدرا باید با احتیاط انجام شود. نمی‌توان یک گزاره هستی‌شناختی مانند تشکیک وجود را مستقیماً به نتیجه‌ای درباره ساختار حکومت تبدیل کرد. میان هستی‌شناسی و سیاست، مجموعه‌ای از واسطه‌ها وجود دارد: انسان‌شناسی، نظریه کش، اخلاق، حقوق، نهادها و فهم قدرت.

آزمون معاصرت برای حکمت صدرایی

امکان گفت‌وگوی ملاصدرا با فلسفه غرب، یکی از مهم‌ترین میدان‌های پژوهش معاصر است. باین‌حال، این گفت‌وگو زمانی معتبر است که از دو افراط پرهیز کند: نخست، ادعای بی‌دلیل تأثیر تاریخی ملاصدرا بر فیلسوفان غربی؛ دوم، تقلیل مفاهیم صدرایی به مفاهیم غربی. برای مثال کانت درباره کارکرد مفهوم وجود در منطق و نسبت آن با محمول سخن می‌گوید؛ ملاصدرا درباره واقعیت خارجی و اصالت تحقق. بنابراین، مقایسه دقیق باید نخست سطوح بحث را از یکدیگر جدا کند. پرسش مهم‌تر این است که آیا می‌توان نظریه صدرایی وجود را به‌گونه‌ای بازسازی کرد که هم تمایز میان وجود منطقی و وجود خارجی را حفظ کند و هم در گفت‌وگو با نقد کانتی قرار گیرد.در میان پژوهشگران، علاقه به مقایسه ملاصدرا و هایدگر به دلیل محوریت مسئله هستی، نقد متافیزیک سنتی و توجه به زمان و نحوه بودن انسان وجود دارد.

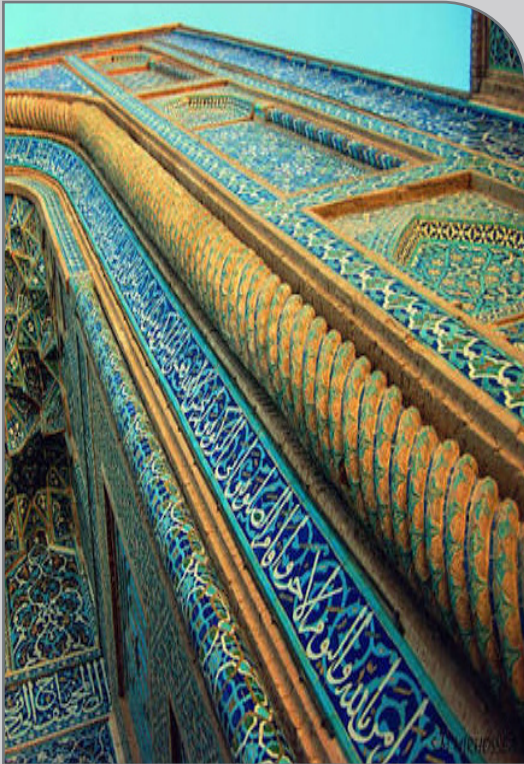


روایت مدرسه؛ آموزش و تربیت کجا از هم جدا شدند؟



جداست، عملاً این‌طور است. هفته پیش به یک هنرستان دخترانه سر زدم.خانم مدیر می‌گفت فلان بچه هر روز صبح می‌گوید خانم می‌شود بغلتان کنم. به دبیر می‌گویم خواست به این بچه باشد، نیاز به محبت و توجه دارد. آن خانم می‌گوید من همین که می‌آیم مدرسه و لباسم را به چوبلباسی آویزان می‌کنم به اندازه حقوقم کار کرده‌ام؛ چه انتظاری داری؟ عملاً تفکیک شده: دبیر آموزش را می‌دهد، در متوسطه اول و دوم؛ در ابتدای نزدیک‌تر و تلفیقی‌تر است، و می‌رود، پرورش هم تلاش می‌کند کارهایی بکند که عمدتاً از بالا گفته شده و لطفی ندارد؛ بچه‌ها با آن حسن نمی‌گیرند و بیشتر اداری است. این تفکیک غلط است. مگر می‌شود زندگی بچه را تفکیک کرد به ابعاد مختلف؛ آن هم در مدرسه‌ای که نسل را تربیت می‌کنیم و محیط شکل‌گیری شخصیت است، نه دانشگاه که فقط دانش یاد می‌گیرد.

آذین افزود: خانواده نقش کلیدی دارد و اصل تربیت در خانواده رقم می‌خورد اما وقتی مدرسه وظیفه اصلی‌اش را آموزش می‌یبند و تربیت را جدی نمی‌بیند، سراغ خانواده هم نمی‌رود؛ دست در دست خانواده نمی‌گذارد و پشتیبانی نمی‌کند تا فضای تربیتی سالم‌تر و هماهنگ‌تری ایجاد شو وقتی پرورشی را تفکیک می‌کنیم، شانش را پایین می‌آوریم. آموزش چون کمی است و به شغل و دانشگاه مرتبط، ضریب چندبرابری می‌گیرد و اهمیت پرورش در جامعه کمتر دیده می‌شود. خانواده هم می‌گوید مدرسه از من درس و کنکور می‌خواهد. ارزش تربیت به خاطر سختی، پیچیدگی، غیرقابل ارزیابی بودن و زمان‌بر بودنش به اولویت‌های خیلی پایین‌تر می‌رود.وی درباره راه حل تأکید کرد: باید ایده‌ای پشت نظام تعلیم و تربیت داشته باشیم که خیلی نداریم. وقتی نداریم جزیره‌ای می‌شود هر تیکه از وزارتخانه کار خودش را می‌کند و ربطی بین جزیره‌ها نیست. ایده منسجم لازم است که تعلیم و تربیت را یکپارچه ببینیم. نه وصله‌پینه. در سه لایه باید ایده داشته باشیم و حالت ایده‌آل این است تربیت برای نقش معلم، مدرسه و خانواده اظهار داشت: الان که از هم



مسجد جامع کرمان؛ آتشی در حافظه انقلاب

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی، معاون امور استان‌های شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، با اشاره به رویکرد تازه شورا در حوزه تبیین گفت: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در سال‌های اخیر در کنار برنامه‌های ثابت خود برای بزرگداشت مناسبت‌ها و ایام‌الله انقلاب اسلامی، اقدامات جدیدی را برای تولید محتوای تحلیلی و تبیینی آغاز کرده است. وی انتشار بیانیه‌های تحلیلی درباره موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی، بررسی پژوهشی مناسبت‌های مختلف و برگزاری نشست‌های تخصصی را از جمله این اقدامات برشمرد و افزود: این بیانیه‌ها از طریق پیامک، پایگاه اطلاع‌رسانی شورا و رسانه‌های مختلف در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد تا زمینه شناخت دقیق‌تر تاریخ معاصر ایران فراهم شود.معاون امور استان‌های شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با اشاره به محور اصلی نشست گفت: در بازخوانی واقعیت‌های دوران پهلوی، چهار مولفه استبداد، وابستگی، دین‌ستیزی و رویکردهای ضد مردمی رژیم باید مورد توجه قرار گیرد. وی افزود که در این میان، بررسی شیوه مواجهه حکومت پهلوی با مساجد و نهادهای مذهبی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه مساجد در دوران انقلاب اسلامی به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های سازمان‌دهی مردم و گسترش نهضت تبدیل شده بودند.میرتاج‌الدینی واقعه 24 مهر 1357 مسجد جامع کرمان را یکی از صفحات مهم تاریخ انقلاب اسلامی دانست و گفت: حمله به این مسجد و شهادت شماری از مردم و انقلابیون، رخدادی است که باید در پیوند با تحولات پیش و پس از آن بررسی شود. به گفته او، پس از شهادت ایت‌الله سیدمصطفی خمینی در سال 1356، موج اعتراض‌های مردمی در کشور گسترش یافت و قیام 19 دی قم، قیام 29 بهمن تبریز و حوادث بعدی، زنجیره‌ای از حرکت‌های مردمی را شکل داد که در نهایت به گسترش نهضت انقلاب اسلامی انجامید.وی با اشاره به حوادث تبریز گفت: ممانعت از برگزاری مراسم چهل‌م شهدای قیام 19 دی در مسجدی در تبریز و برخورد با حاضران، زمینه‌ساز اعتراض‌های گسترده مردم شد. به گفته این مسئول، تعرض به مساجد در تبریز و کرمان را باید در چارچوب تحولات آن دوره و روند گسترش اعتراض‌های مردمی بررسی کرد؛ زرا این حوادث به یکدیگر پیوسته بودند و در شکل‌گیری فضای انقلابی جامعه نقش موثری داشتند. میرتاج‌الدینی همچنین با اشاره به حوادث دهم‌ماه سال گذشته، تعرض به مساجد و اماکن مذهبی را یادآور رویکردهای ضد دینی دوران پهلوی خواند و گفت بررسی این موضوعات می‌تواند به شناخت بهتر پیوندهای تاریخی و فکری میان جریان‌های سیاسی کمک کند. او در پایان با استناد به ایت‌ا قران کریم درباره جایگاه مساجد و نکوهش تخریب آنها، بر ضرورت حفظ حرمت اماکن مذهبی و تبیین ابعاد تاریخی و اجتماعی تعرض به مساجد در دوران پهلوی تأکید کرد.

روایت مستند برای نسل جوان
در ادامه دکتر علیرضا معاف، معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، با اشاره به اهمیت نشست‌های تخصصی «جهاد تبیین» گفت: این نشست‌ها فرصتی برای بازاندیشی درباره موضوعاتی است که هم با تاریخ انقلاب اسلامی و هم با شرایط امروز کشور ارتباط دارند. وی با انتقاد از کمبود روایت‌های جامع و مستند از دوران پهلوی اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آن‌گونه که باید برای تدوین و ارائه روایتی مستند و مبتنی بر اسناد از واقعیت‌های آن دوره تلاش نشد و همین کم‌کاری زمینه را برای شکل‌گیری روایت‌های وارونه و مغشوش فراهم کرد.معاف افزود: در سال‌های اخیر برخی جریان‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌ها، فضای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی تلاش کرده‌اند با برجسته‌سازی بخشی از واقعیت‌ها و پنهان‌کردن بخش‌های دیگر، تصویری متفاوت از رژیم پهلوی ارائه دهند و پروژه تلهپیر این رژیم را پیش ببرند. به گفته او، مقابله با این روند تنها از مسیر رجوع به اسناد، منابع تاریخی و پژوهش‌های علمی ممکن است.

وی با اشاره به خاطرات و نوشته‌های مسئولان دوران پهلوی گفت: حتی در آثار منتشرشده از افراد مسئول در آن دوره، مطالبی درباره فساد اقتصادی، فساد اخلاقی و وابستگی حکومت به قدرت‌های خارجی وجود دارد که می‌تواند در شناخت واقعیت‌های آن دوران مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد. معاون پژوهش شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی همچنین بر ضرورت تبیین وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم در دوران پهلوی تأکید کرد و گفت: بررسی اسناد تاریخی درباره دسترسی مردم به امکانات اولیه زندگی، از جمله آب و برق، و شاخص‌های توسعه در آن دوره می‌تواند تصویر واقعی‌تری از شرایط جامعه پیش از انقلاب در اختیار نسل جوان قرار دهد.



هزینه‌های نجومی حفاظت از نتانیاهو

در آستانه انتخابات پارلمانی اسرائیل که قرار است روز پنجشنبه برگزار شود، گزارش‌های توسط وبسایت عبری زبان «واینت» منتشر شد که نشان می‌دهد در سایه سه سال جنگی که از هفتم اکتبر در نوار غزه شروع و به چند عرصه دیگر از جمله ایران کشیده شد، هزینه‌های امنیتی برتری حفاظت از اقامتگاه‌های نمایانین تانیاها، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و اعضای خانواده‌اش افزایش چشمگیری داشته است. براین اساس مجموع مخارج حفاظت از محل اقامتگاه‌های نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از سال 2023 تا اکتبر 2026 به بیش از 127.4 میلیون شکل (بیش از 41 میلیون دلار) رسیده است؛ رقمی که بیشتر از چهار برابر رقم 29 میلیون شکلی است که در فاصله سال‌های 2020 تا 2022 برای این منظور پرداخت شده بود. در راستا هزینه‌های مذکور در سال 2023 حدود 10.9 میلیون شکل (3.52 میلیون دلار) بود که در سال 2024 به 27.8 میلیون شکل (8.98 میلیون دلار) افزایش یافت. اما جهش اصلی در سال 2025 اتفاق افتاد: به‌گونه‌ای که هزینه‌های حفاظتی این اماکن به 72.5 میلیون شکل (23.43 میلیون دلار) رسید. [1] این رشد چشمگیر متاثر از نگرانی واکنش ایران به ویژه پس از جنگ 12 روزه بود. همچنین از ابتدای سال 2026 تا اکتبر، 16.2 میلیون شکل (5.23 میلیون دلار) دیگر برای این منظور پرداخت شده است.

حمله پهادی به اقامتگاه تانیاها؛ نقطه عطف زندگی آقای امنیت!

یکی از مهم‌ترین تحولات امنیتی مرتبط با این روند حمله پهادی اکتبر 2024 به اقامتگاه خصوصی تانیاها در شهر قیصریه بود؛ حمله‌ای که آسیب‌هایی به این ویلا وارد کرد و نشان داد حتی اقامتگاه یکی از بالاترین مقام‌های سیاسی و امنیتی اسرائیل نیز از تهدیدهای هوایی در امان نیست. این حادثه در شرایطی رخ داد که جنگ غزه و گسترش روبرواری‌های منطقه‌ای، تهدیدهای امنیتی علیه اسرائیل را وارد مرحله تازه‌ای کرده بود. استفاده از پهادها و دیگه‌ها (ابزارهای حملات) راه دور نیز این نگرانی را تقویت کرد که سامانه‌های حفاظتی متعارف به‌تنهایی برای جلوگیری از تهدیدهای جدید کافی نباشند. با این حال، اطلاعات منتشرشده جزئیات هزینه‌های هر اقامتگاه تانیاها را مشخص نمی‌کند و نمی‌توان تمام افزایش مخارج را صرفاً به حمله قیصریه یا یک تهدید مشخص نسبت داد که همین مسئله مؤید آسیب‌پذیری هر محل اقامت نخست‌وزیر است.

نگرانی از حملات و محرمانه ماندن جزئیات حفاظت نتانیاهو افزایش هزینه‌های امنیتی نتانیاهو در حالی رسانای شده که دفتر نخست‌وزیری اسرائیل با انتشار تفکیک‌شده مخارج حفاظتی هر یک از محله‌های اقامت مخالفت کرده است. مقام‌های امنیتی این دفتر استدلال کرده‌اند انتشار جزئیات هزینه‌های می‌تواند به نیروهای خارجی امکان دهد سطح حفاظت از هر محل را ارزیابی کرده و از کنار هم قرار دادن اطلاعات عمومی، تصاویر و داده‌های دیگر برای شناسایی نقاط ضعف احتمالی استفاده کنند. نکته مهم آنکه بخش امنیتی دفتر نخست‌وزیری اسرائیل تأکید کرده است این رژیم به یکی از بالاترین سطوح تهدید امنیتی از زمان تأسیس خود مواجهه است. این موضع‌گیری، فراغ از ملاحظات محرمانگی، نشان می‌دهد مقام‌های امنیتی اسرائیل تهدیدهای احتمالی علیه محل‌های اقامت نخست‌وزیر را موضوعی جدی تلقی می‌کنند؛ تهدیدهایی که با گسترش توانایی حملات پهلیدی و تغییر ماهیت تقابل‌های نظامی، در صفر دیگر به خطرهای متعارف محدود نیستند. تقابل هزینه‌های امنیتی نتانیاهو با مطالبات افکار عمومی در سرزمین‌های اشغالی افزایش مخارج حفاظتی محل‌های اقامت نتانیاهو بحث درباره نحوه هزینه‌کرد منابع عمومی، آن هم در آستانه انتخابات از بار دیگر بر سر رانها انداخته است. این موضوع همچنین یادآور انتقادهای پیشین به نتانیاهو از هزینه‌های حفاظتی محل اقامت نتفالی بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل است. نتانیاهو در سال 2022 مدعی شده بود برای بازسازی خانه خصوصی بنت در عناتا 50 میلیون شکل (16.06 میلیون دلار) از منابع عمومی هزینه شده است. با این کارش نهاد بازرسی کابینه هزینه اقدامات حفاظتی و اعلام کرد به خانه بنت را حدود 24.9 میلیون شکل (8 میلیون دلار) اعطای کرده بود. براین اساس هزینه‌های 41 میلیون دلاری حفاظت از امنیت نتانیاهو در کنار خراج نظامی و پیامدهای اقتصادی جنگ، از جمله مواردی است که بر منابع عمومی تحمیل شده است. در واقع این ردیف بودجه جدید را می‌توان یکی از نشانه‌های گسترش پیامدهای امنیتی جنگ در داخل سرزمین‌های اشغالی دانست که در نتیجه این روند، حفاظت از محل زندگی نخست‌وزیر نیز به پروژه‌ای پرهزینه‌تر از گذشته تبدیل شده است، نکته مهم آنکه انتشار این گزارش در شرایطی صورت گرفت که کابینه نتانیاهو برای تأمین خریدهای فوری نظامی روز یکشنبه (26 مهر) مبلغ حدود 575 میلیون شکل (186 میلیون دلار) از بودجه چهار حوزه آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی و حمل و نقل کم کرد. [2] اما اعتراضات موسوم به «پوچه انتلافي» که احزاب تشکیل‌دهنده کابینه برای خواسته‌های خود اختصاص داده‌اند، کاهش فراگیر مذکور مستثنی باقی ماند.



روزنامه معاریو امروز نوشت: آنانی که به عنوان آشوبگر در اسرائیل شناخته می‌شوند دیگر صرفاً به فلسطینیان آسیب نمی‌رسانند بلکه نظامیان اسرائیلی را هم به خطر انداخته، جایگاه اسرائیل را متزلزل کرده اند و اگر به این ایل راه پیش برویم بهای سنگینی در ابعاد داخلی و خارجی خواهیم پرداخت. در بخشی از گزارش این رسانه صهیونیستی آمده است: در ماه فوریه، دو فعال اسرائیلی حقوق بشر، یک زن و یک مرد در دهه پنجاه زندگی شان، در روستای قصره (در کرانه باختری) با باتوم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و با بالگردها به بیمارستان یلینسون انتقال یافتند. بر ماه مارس، ارتش اسرائیلی بیش از سیصد شورش را در یک شب به سر برد. خودروهای در حومه شهرها به آتش کشیده شد، اشیایی به سوی خانای فلسطینی در سبسطیه پرتاب و دو ساختمان به آتش کشیده شد و شعارهای توهین آمیزی روی دیوارهای جلود نوشته شد. در ماه آوریل، خانای در جلود به آتش کشیده شد و روز بعد، شهرکنشکنان در کنار سربازان ارتش اسرائیل در حیاط آن خانه قدم زدند. در ماه ژوئیه، پس از ماهها اعراب از سوی گروه «هیبل بویز»، خانواده طولیاسی از خانه خود بیرون رانده شدند. در همان ماه، مسجدی در ناصره به آتش کشیده شد و در بیت فوریس نیز تلاش برای آتش زدن خانای که خانواده‌ای در داخل آن حضور داشتند، ناکام ماند. در ماه یوت، خودروها و خانای در غُضَیرین به آتش کشیده شدند و شعارهای انتقام‌جویانه‌ای روی دیواری در منطقه نوشته شد که سر لشکر آوی بلوط، فرمانده فرماندهی مرکزی ارتش اسرائیل، را هدف قرار می‌داد.

در همان سال، ارتش اسرائیل ناچار شد برای تأمین امنیت پایگاه‌های جدید در شمال سامره (کرانه باختری)، سه گریز دیگر اضافه کند. مقامی که به بهای کاهش نیروهای مستقر در غزه و لبنان تمام شد.

قدامی که به بهای کاهش نیروهای مستقر در غزه و لبنان تمام شد. سایه دولت او و با حمایت وزیرانش، جنبشی فاشیستی سر برآورده

آلصادق: امنیت مرزهای ایران و عراق خط قرمز تهران است



روزندهای ترخیص کالا، یکسان‌سازی استانداردها و خدمات 24 ساعته در پایانه‌های مهم مرزی تسهیل شود. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که توسعه و امنیت عراق، توسعه و امنیت ایران است. یکپارچگی‌های پیگیری ماخانه و کمیته‌های مشترک پیگیری تحت نظارت سفارت و دستگاه‌های ذیربط دو کشور تشکیل شده تا هرگونه موانع اجرایی و اداری را سریعاً برطرف سازند. ما مسیر اجرایی این توافقات را با جدیت و شفاییت کامل ادامه می‌دهیم تا ممره این تصمیمات اجرایی در زندگی و رفاه مردم دو کشور احساس شود. سوال: در بحث پروازها و فشارهای آمریکا ما شاهد توقف پروازها بودیم که در ادامه پروازها به نجف اشراف از سر گرفته شد؟ و رازینی با مقامات عراق در این خصوص چه اقداماتی صورت گرفته و آیا به پروازها بین دو کشور به حالت عادی باز می‌گردد؟

آل‌صادق: ارتباطات مردمی، ریزانی، گردشگری سلامت، مبادلات تجاری و دانشجویی، شریان حیاتی روابط ایران و عراق است. وزارت حجرات، گردشگری، بیماران و دانشجویان دو کشور رفت‌وآمد می‌کنند؛ بنابراین هرگونه ایجاد اختلال در خطوط پروازی و حمل‌ونقل هوایی، مستقیماً حقوق شهروندان دو ملت و خدمات‌رسانی به زائران عتبات عالیات و ثامن‌النجج (ع) را هدف قرار می‌دهد.

مسئله فانه هر یک‌دگر جانب‌گرایی‌نه و مداخله‌جویانه ابالات متحد آمریکا و اعمال نفوذهای غیرنقطنی و فراملی، همواره به دنبال استبداد زدن به تعاملات طبیعی و برادرانه ایرانیان منطقه بوده است. اعمال فشار بر شرکت‌های هواپیمایی و زیرساخت‌های فرودگاهی منطقه، مصداق



مصر در مسیر تکرار تجربه سودان

تصمیم شورای دفاع ملی مصر به ریاست عبدالفتاح السیسی برای موافقت با اعزام نیروی نظامی به عربستان سعودی، در شرایطی که این کشور با تشدید حملات انصارالله به اهداف راهبردی خود مواجه شده است، بار دیگر مسئله اتکای ریاض به نیروهای نظامی کشورهای دیگر را در کانون توجه قرار داده است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده در 18 اکتبر 2026 نشان می‌دهد شورای دفاع ملی مصر با اعزام نیرو در چارچوب یک مأموریت دفاعی موافقت کرده و قرار است موضوع در پارلمان این کشور نیز بررسی شود. قاهره این اقدام را در چارچوب حمایت از امنیت عربستان معرفی می‌کند؛ اما مسئله اصلی این است که آیا ورود نظامیان مصری می‌تواند تغییری تعیین‌کننده در موازنه میدانی ایجاد کند یا صرفاً هزینه‌های انسانی و مالی انتقال عربستان به یمن را افزایش خواهد داد؟ تجربه‌های تاریخی مداخلات نظامی در یمن نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش را باید نه در شمار نیروهای اعزامی، بلکه در ماهیت جنگ و محدودیت‌های راهبردی ائتلاف جست‌وجو کرد. سابقه حضور نظامیان کشورهای ساحل غربی دریای سرخ در درگیری‌های شبه جزیره عربستان، چندان امیدوارکننده نیست. مصر و سودان، هر یک در دوره‌ای متفاوت، نیروی انسانی و ظرفیت نظامی خود را وارد درگیری‌های شبه جزیره عربی کردند؛ با این حال، هیچ یک از این مداخلات نتوانسته است به تنهایی بر پیچیدگی‌های سیاسی و نظامی یمن غلبه کند. وجه مشترک این تجربه‌ها این است که برتری در شمار نیروها و برخورداری از پشتیبانی مالی و تسلیحاتی، هنگامی که با شناخت ناکافی از محیط جنگ و برآورد نادرست از توان طرف مقابل همراه باشد، لزوماً به دستاورد راهبردی منجر نمی‌شود. از این منظر، تصمیم اخیر قاهره را باید در امتداد تجربه‌های تاریخی بررسی کرد که بارها محدودیت اتکای عربستان به نیروی نظامی خارجی را آشکار کرده است.



روابط ایران و عراق به عنوان دو کشور همسایه، مسلمان و برابر همواره از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. با توجه به تحولات منطقه و شرایط خاصی که به وجود آمده اکنون این روابط دو جانبه بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است؛ با توجه به تحولات اخیر ایجاد شده در روابط دو کشور و همچنین تحولات منطقه‌ای که اثر اثر تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی بر منطقه ایجاد شده، گفتگویی با محمد کاظم آل صادق، سفیر جمهوری اسلامی ایران صورت دادیم و از همکاری‌های بین دو کشور صحبت کردیم. آل صادق روابط ایران و عراق را یک روابط راهبردی دانست و رفت و آمدهای هیئت‌ها بین دو کشور را جهت تثبیت روابط راهبردی دو کشور مؤثر دانسته است. ایران و عراق اجرای توافقات دو جانبه را بر راین‌های فنی پیگیری می‌کنند سوال: ما پیشتر سفر مقامات عالی‌رتبه دولت عراق به تهران را داشتیم که در این سفر موافقتنامه‌های امضا و توافقاتی صورت گرفت. اکنون وضعیت اجرای این توافقات تا چه مرحله‌ای پیش رفته است؟

پارزینی‌ها: این توافقات تا کنون صورت گرفته است؟

آل صادق: روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، یک رابطه صرف همسایگی جغرافیایی نیست؛ بلکه پیوندی راهبردی، متکی بر اشتراکات عمیق تاریخی، فرهنگی، دینی و منافع متقابل و هم‌پوشان اقتصادی و امنیتی است. سفرهای متقابل مقامات عالی‌رتبه دو کشور، به‌ویژه دیدارهای صورت گرفته در تهران، همواره نقشه‌ها تنظیم عطفی و تثبیت این مناسبات بلکه ریل‌گذاری نوینی برای توسعه همه‌جانبه همکاری‌ها بوده است. در خصوص اسناد، یادداشت‌های تفاهم و موافقت‌نامه‌های امضا شده، ما بلم به ملت شریف عراق و ایران و اصحاب محترم رسانه امنیت ملی هم که این توافقات صرفاً روی کاغذ نهاده‌اند. ما معتقدیم اراده سیاسی قوی رهبران دو کشور، موتور محرکه اصلی برای اجرای سازی و عملیاتی کردن بدنبند این توافقات است.

در حوزه‌های مختلف، گام‌های عملیاتی و راینی‌های فنی متعددی انجام شده و در حال پیگیری است:

- در حوزه حمل و نقل و ترانزیت: به‌ویژه در طرح راهبردی راه‌آهن شلمچه - بصره، کمیسیون‌های فنی و مهندسی دو طرف به‌صورت مداوم جلسات تخصصی داشتند. موضوعاتی نظیر تملک زمین‌ها و ساخت پل و مین رویسی منطقه با جدیت پیش رفته و ارزیابی‌های زیرساختی به مراحل پیشرفته‌ای رسیده است.
- در حوزه انرژی و تبادلات تجاری: کارگروه‌های مشترک میان وزارتخانه‌های ایران و وزارتخانه‌های مربوطه در عراق فعال هستند. گفتگوها برای پایداری صادرات انرژی و تأمین نیازهای شبکه برق عراق و، همراه با ایجاد سازوکارهای مطمئن و تعریف پروژهای مشترک سرمایه‌گذاری ادامه دارد.
- در حوزه مناطق آزاد مرزی و تسهیل تجارت در نقاط مرزی مشخص، در دستور کار رابتهای فنی کارشناسان دو وزارتخانه دارایی و تجارت است. هدف اصلی ما تسهیل مبادلات، افزایش حجم تجارت دو کشور و ایجاد اشتغال برای مرزنشینان دو طرف است.
- در حوزه تسهیل ترانزیت و تشریفات گمرکی: نشست‌های متعددی میان مدیران گمرک و رؤسای پایگاه‌های مرزی برگزار شده تا

تغییر معماری بازارهای انرژی پاشنه آشیل محاسبات آمریکا



به عرضه و تقاضا واکنش نشان نمی دهند؛ بلکه به ریسک‌هایی نیز واکنش نشان می دهند که در سراسر بازار، بر مبنای برآوردها و انتظارات سوداگرانه محاسبه می‌شوند.

پدیده بیش هشیاری در بازار انرژی مدیرعامل بورس انرژی ایران ادامه داد: وقتی عمق بازارهای فیزیکی کاهش حساسیت آن و واکنش آن به رویدادها شدیدتر میشود. نظیفی به ابتکارهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای آزادسازی ذخایر استراتژیک با هدف کاهش آثار شرایط تنگه هرمز و خلیج فارس بر کل بازار اشاره کرد و افزود: قیمت‌ها آن‌گونه که سیاست‌گذاران انتظار داشتند به این اقدامات واکنش نشان نداده‌اند. وی گفت: می‌توان این وضعیت را «بیش هشیاری» نامید. بازارهای انرژی جهان اکنون در وضعیت بیش هشیاری قرار دارند؛ یعنی حتی به کوچک‌ترین خبر درباره هر نوع توافق، تشدید تنش یا کاهش تنش در منطقه واکنشی چندبرابری نشان می‌دهند. نظیفی خاطر نشان کرد: برای نمونه، آزادسازی 100 میلیون بشکه از سوی گروه هفت مطرح شد و اعضا با انجام آن موافقت کردند؛ اما به گمان من، این اقدام به اندازه‌ای که سیاست‌گذاران تصور می‌کردند مؤثر نبود. در چنین شرایطی، بازگشت به وضعیت پیش از جنگ، یعنی قیمت‌های پیش از جنگ، به نظر من همچنان دور از دسترس است.

مدیرعامل بورس انرژی ایران سه سناریوی قابل پیش‌بینی درباره چشم‌انداز بازار انرژی در تنگه هرمز را «تداوم وضعیت کنونی»، «مذاکره و دستیابی به نوعی بازگشایی تدریجی» و «تشدید تنش» عنوان کرد و گفت: سناریوی محتمل ادامه وضعیت فعلی است و سناریوی مطلوب دینفغان بین المللی بازگشایی از طریق مذاکره و توافق است و هرچه به دوره‌های سردتر سال نزدیک شویم، این سناریو اعتبار و احتمال بیشتری پیدا می‌کند.

محمد نظیفی در نشست بین‌المللی «گفت و گوی امنیت انرژی آسیا 2026» که ظهر روز شنبه مورخ 18 مهر ماه 1405 به میزبانی مجمع پژوهشگران هند برگزار شد، در سخنانی با عنوان تنگه هرمز، امنیت دریایی و تحول معماری بازارهای انرژی اظهار کرد: امنیت انرژی دو مؤلفه اصلی دسترسی پذیری و قیمت اقتصادی را شامل می‌شود و فقط به مسئله دسترسی به منابع فیزیکی مربوط نیست، بلکه امکان تأمین انرژی با قیمت مناسب را نیز در بر می‌گیرد. نظیفی خاطرنشان کرد: درباره تنگه هرمز و خلیج فارس پرسش‌ها و پاسخ واضحی مطرح است، از جمله این که حاکمیت تنگه هرمز با چه کشوری است؟ و پاسخ آن بر اساس جغرافیا ایران و عمان می‌تواند باشد. پرسش دیگر اینکه چه کسی می‌تواند بر عبور از این مسیر اثر بگذارد؟ و یا هرگونه اختلال در جریان انرژی، تا چه اندازه بر قیمت انرژی و همچنین بر دسترسی به آن تأثیر می‌گذارد؟ وی ادامه داد: این در حالی است که گزاره مهم مسئله دیگری است و آن این که معماری بازارها طی سه یا چهار دهه اخیر تغییر کرده و معتقدم سیاست‌گذاران غربی این موضوع را نادیده گرفته بودند.

مدیرعامل بورس انرژی ایران با اشاره به این که باید در نظر داشته باشیم که اهمیت تنگه هرمز و خلیج فارس، در بازارهای انرژی موضوعی فرعی یا حاشیه‌ای نیست، ادامه داد: بیش از 20 درصد انرژی دنیا، از جمله گاز مایع، و نفت خام، از تنگه هرمز عبور می‌کند، بنابراین به هیچ وجه نمی‌توان اهمیت آن را نادیده گرفت. وی یادآور شد: خطوط لوله و تأسیسات انتقال زمینی در منطقه مطرح شده‌اند، اما هنوز فاصله بسیار زیادی وجود دارد تا ظرفیت آن‌ها به حجم انرژی جابه‌جا شده از مسیرهای دریایی و خود تنگه نزدیک شود و به نظرم دست کم در شرایط فعلی و طی ماه‌ها و سال‌های پیش رو نمی‌توان آن‌ها را جایگزینی جدی دانست.

وی بر این اساس تصریح کرد: درباره خلیج فارس سه بُعد متفاوت وجود دارد. یکی از آن‌ها مسئله حاکمیت بر تنگه و خلیج فارس است؛ منظور قدرت حاکمیتی است که تنگه هرمز را در خلیج فارس کنترل می‌کند، بُعد دوم استحکام و تاب‌آوری انتقال است و سوم بُعد سازگاری است و این که بازارها چگونه خود را با فراز و فرودهای عرضه و انواع مختلف ریسک تطبیق می‌دهند.

نظیفی تأکید کرد: ساختار و معماری بازار در دهه‌های اخیر تغییر کرده است. در دهه‌های گذشته، بازارها عمدتاً ماهیتی فیزیکی داشتند و منابع و ذخایر فیزیکی تعیین‌کننده بودند؛ اما در چنددهه اخیر بازار تحول یافته است. تجارت فیزیکی و نقدی اکنون با قراردادهای آتی، اختیار معامله و سبدهای سرمایه‌گذاری در تعامل قرار گرفته است و بازار مالی انرژی ارزشی ده برابر بازار فیزیکی آن دارد. وی گفت: بنابراین، قیمت‌ها دیگر مانند پنج یا شش دهه پیش

وی با تأکید بر این که تغییر ماهیت بازار یک مسئله جدی و مهم است، درباره سناریوها و آن‌چه در ماه‌ها و سال‌های آینده شاهد خواهیم بود، گفت: معتقدم وضعیت «عبور گزینشی» که نوعی تعادل جدید است و اکنون در حال عمل‌کردن است، می‌تواند استمرار یابد و عرضه نامتوازن و قیمت‌های هرچه بالاتر را در بازار تداوم بخشد. وی این امر را نوعی دسترسی گزینشی برای عبور از تنگه هرمز و خلیج فارس که از سوی ایران و عمان فراهم می‌شود، توصیف کرد و ادامه داد: گزینه دوم، که امیدوارم ظرف ماه‌های آینده به آن برسیم، «بازگشایی مسیر از طریق مذاکره و توافق» است. نظیفی تصریح کرد: می‌توانیم به چنین وضعیتی برسیم و این وضعیت تعادل و معادله بهتری برای همه بازیگران بازار ایجاد می‌کند. این کار می‌تواند به تدریج انجام شود و آثار آن بر بازارها و قیمت‌ها نیز به تدریج ظاهر خواهد شد. وی اضافه کرد: ممکن است در سه یا چهار ماه آینده، یا شاید اندکی بیشتر وارد چنین مرحله‌ای شویم و در صورت امکان به توافق برسیم؛ توافقی واقعی برای بازگشایی مورد توافق طرف‌ها که پیامد مثبتی داشته باشد و وضعیتی بهتر از شرایط فعلی ایجاد کند. مدیرعامل بورس انرژی ایران گفت: گزینه‌های دیگری نیز وجود دارد؛ مانند شوک‌های کنسیرانی یا آسیب به زیرساخت‌ها، آن هم در صورتی که تنش در خلیج فارس تشدید شود

جراحی خاموش در باک خودروها؛ مهار فاکتور ۱۲میلیارددلاری واردات بنزین



شخصی، بستر توزیع خارج از شبکه و قاچاق روزانه 4 تا 5 میلیون لیتر فرآورده را فراهم می‌کرد. با استقرار پایانه اختصاصی و اتصال برخط به سامانه مانا، متقاضی کارت اضطراری ابتدا کارت بانکی خود را می‌کشد و پس از استعمال 10 ثانیه‌ای کد ملی و تعیین سقف حجم مجاز، رمز یکبار مصرف 4رقمی دریافت می‌کند. این ردیابی هویتی مصرف‌کننده که با اجرای آزمایشی در 100 جایگاه شهر تهران و پایش صدها هزار تراکنش به ثمر نشست، قاچاق سوخت به صنایع یا مرزها را مسدود کرد و با حذف تراکنش‌های کاذب، حجم قابل‌توجهی از مصرف کل کشور را کاهش داد.

بازگشت گاز طبیعی به سید سوخت؛ شتاب‌بخشی به سهم CNG توسعه و تشویق جایگزینی سوخت CNG، بازوی مکمل سیاست‌های غیرقیمتی دولت در مهار مصرف بنزین بود. ایران با در اختیار داشتن یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های توزیع گاز طبیعی فشرده و بیش از 2500 پایگاه فعال، از ظرفیت خالی قابل‌توجهی در این بخش برخوردار بود. دولت با اعمال بسته‌های ترغیبی، تبلیغات گسترده رسانه‌ای و ارائه تسهیلات تبدیل ناوگان حمل‌ونقل عمومی

اخیراً مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور در خصوص نتیجه اقدامات انجام‌شده در حوزه بنزین گفته است: برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر در حوزه انرژی و سوخت موضوع صرفه‌جویی و مدیریت مصرف را در دستور کار قرار دادیم که با همراهی مردم، به‌میزان قابل‌توجهی صرفه‌جویی صورت گرفت. وی با تأکید بر اینکه «امروز از واردات بنزین بی‌نیاز شده‌ایم درحالی که می‌بایست 12 میلیارد دلار برای واردات بنزین موردنیاز هزینه می‌کردیم»، گفت: همه درآمد حاصل از افزایش قیمت سوخت، صرفه‌جویی و مدیریت مصرف به خود مردم پرداخت خواهد شد. اظهارات رئیس‌جمهور، مبنی بر بی‌نیازی کشور از واردات بنزین و مهار بار مالی 12میلیارددلاری آن، بازتاب‌دهنده نقطه عطفی در مدیریت ناترازی انرژی است، پیش از این، شکاف فزاینده میان ظرفیت پالایشگاهی داخل و تداوم افزایش تقاضا، زنگ خطر خروج سالانه میلیاردها دلار ارز از کشور را به صدا درآورده بود؛ اما بسته ترکیبی اجراشده با اتکا به دو بال «بازارهای قیمتی» و «سازوکارهای غیرقیمتی»، توانست معادله مصرف سوخت را حداقل در کوتاه‌مدت متوازن سازد.

بازتنظیم نظام یارانه‌ای؛ استقرار و تعدیل نرخ سوم بنزین محور نخست این تحول در حوزه سیاست‌های قیمتی شکل گرفت، در این چارچوب دولت با هدف کنترل الگوهای مصرف غیرمتعارف و کاهش فشار بر سهمیه پایه، ساختار چندنرخ را بازتعریف کرد. در گام اول، «نرخ سوم» بنزین پنج‌هزارتومانی کنار نرخ یارانه‌ای (1500 تومان) و نرخ آزاد سهمیه‌ای (3000 تومان) معرفی شد تا مصارف فراتر از سقف قانونی و متقاضیان سوخت آزاد مشمول پرداخت هزینه‌ای نزدیک‌تر به ارزش اقتصادی سوخت شوند.

در ادامه این سیاست، دولت با تعدیل نرخ سوم و ارتقای آن به سطح 10 هزار تومان در لیتر، سیگنال بازدارنده‌ای به دارندگان خودروهای پرمصرف و مصارف غیرضروری مخایره کرد. این بازتنظیم اقتصادی موجب شد یارانه سوخت تنها به سهمیه‌های پایه و معیشتی اصابت کند و هزینه رفتارهای پرمصرف به‌صورت پلکانی توسط خود مصرف‌کننده تسویه شود؛ عاملی که به‌صورت خودکار تقاضای مازاد و غیرضروری در جایگاه‌ها را تا حدی کنترل نمود. شناسه‌دار کردن کارت‌های جایگاه؛ انسداد بخشی از نشستی 4 تا 5 میلیون لیتری در بخش اقدامات غیرقیمتی، بنیادی‌ترین گام از طریق طرح «شناسه‌دار کردن کارت‌های اضطراری سوخت» برداشته شد، پیش از این، استفاده نامحدود و ناشناس از کارت‌های آزاد با رمز پیش‌فرض (1111)، سهم کارت جایگاه‌ها را به 40 تا 45 درصد کل توزیع رسانده بود؛ وضعیتی که علاوه بر نقض تکلیف قانون برنامه هفتم مبنی بر انجام 95درصدی سوخت‌گیری با کارت



نامه‌نگاری خضریان با وزیر دفاع

علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی از نامه‌نگاری با مهرداد اخلاقی وزیر جدید دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با موضوع انتصاب سرپرست هلدینگ غدیر خبر داد.

متن این نامه به شرح زیر است:

جناب آقای مهندس اخلاقی

وزیر محترم دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

موضوع: انتصاب غیرقانونی سرپرست هلدینگ غدیر

با سلام و احترام،

به استحضار می‌رساند، وفق اخبار منتشر شده در رسانه‌ها، اخیراً فردی به نام آقای مهدی زحمتکش به عنوان سرپرست موقت هلدینگ اقتصادی غدیر منصوب و به کار گرفته شده است. بررسی سامانه کدال نشان می‌دهد که نامبرده دارای مدرک تحصیلی علوم سیاسی گرایش روابط بین‌الملل است که با حوزه مالی و اقتصادی کاملاً غیرمرتبط می‌باشد. هلدینگ غدیر (سرمایه‌گذاری غدیر) یک ناشر اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس تهران و نهاد مالی ثبت شده نزد سازمان بورس است و موضوع فعالیت اصلی آن صنایع سرمایه‌گذاری، مالی و مادر با بیش از 500 شرکت در حوزه‌های پتروشیمی، پالایشی، معدنی و فولادی است. مدرک علوم سیاسی ذاتاً با موضوع فعالیت اصلی این هلدینگ «مرتبط» نیست و این انتصاب از چند جهت صراحتاً با قوانین و مقررات کشور مغایرت دارد: الف) خلاف صریح قانونی در عضویت هیئت مدیره؛ مطابق بندهای (الف) و (ج) آیین‌نامه ماده 13 قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی، «داشتن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی مرتبط با موضوع فعالیت ناشر» از شرایط اعضای هیئت مدیره است. بنابراین نامبرده نه تنها صلاحیت مدیرعاملی، بلکه صلاحیت حضور در هیئت‌مدیره یک ناشر و نهاد مالی را نیز ندارد. این پرسش مطرح است که چگونه فردی با تحصیلات علوم سیاسی در مسند هیئت مدیره شرکت‌های بزرگی چون فولاد مبارکه و پتروشیمی مارون قرار گرفته است.

ب) مغایرت قانونی در انتصاب مدیرعاملی؛ مطابق بندهای (ب) و (د) آیین‌نامه ماده 13، دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی مرتبط و ارائه مدارک دال بر آشنایی با مبانی مدیریت، اقتصاد و حسابداری از الزامات تصدی مدیرعاملی است. با توجه به عدم حضور نامبرده در هیچ‌یک از نهادهای مالی کشور و معرفی یکباره وی به‌عنوان سرپرست یکی از بزرگ‌ترین نهادهای مالی کشور، این انتصاب علاوه بر غیرقانونی بودن، فاقد توجیه منطقی است.

ج) خلاف صریح قانونی در صلاحیت حرفه‌ای: بند (ت) آیین‌نامه مذکور، «دارا بودن سوابق علمی و تحصیلی مرتبط با مدیریت» را از الزامات قطعی احراز صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی و ناشران اوراق بهادار دانسته است. هلدینگ غدیر به‌عنوان بزرگ‌ترین هلدینگ مالی کشور، از مصادیق اصلی این قانون محسوب می‌شود.

د) مغایرت با دستورالعمل حاکمیت شرکتی: دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی ناشران بورسی الزام می‌کنند که مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره باید از دانش و مهارت کافی در حوزه موضوع فعالیت شرکت برخوردار باشند. برای هلدینگ با موضوعیت مالی و اقتصادی، داشتن دانش تخصصی در این حوزه ضروری است و مدرک علوم سیاسی به‌خودی‌خود این دانش تخصصی را اثبات نمی‌کند.

جمع‌بندی:

انتصاب آقای مهدی زحمتکش به عنوان سرپرست موقت هلدینگ غدیر، خلاف صریح بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (د)، و (ت) ماده (1) آیین‌نامه ماده (13) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی و نیز خلاف دستورالعمل حاکمیت شرکتی است. مطابق ماده 13 قانون، مرجع انتخاب‌کننده مکلف است فرد منصوب را برکنار کند و تأخیر در این اقدام، خود تخلف مستمر محسوب می‌شود. از سوی دیگر، حسابرس هلدینگ موظف است عدم رعایت الزامات صلاحیت حرفه‌ای را در گزارش‌های خود منعکس کند و سازمان بورس نیز می‌تواند نهاد مالی را به اخطار، جریمه نقدی یا تعلیق فعالیت محکوم کند. استمرار این انتصاب می‌تواند مسئولیت مدنی مرجع انتخاب‌کننده در برابر سهامداران را به دنبال داشته و مدیران متخلف را با خطر سلب صلاحیت از تصدی سمت مدیریت در ناشران و نهادهای مالی مواجه کند.

علی‌هذا، با عنایت به جایگاه نظارتی آن وزارتخانه و مسئولیت قانونی در صیانت از حقوق سهامداران و بازتنشستگان محترم نیروهای مسلح، انتظار می‌رود دستور فرمایید نسبت به تغییر و برکناری سرپرست منصوب شده هلدینگ غدیر اقدام عاجل صورت گیرد.



از قهرمان فردی شاهنامه تا قهرمان جمعی

زهررا حیاتی دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در آخرین شب برپای دومین نمایشگاه نقاشی و کارگاه خلق اثر هنری «وعده صادق در آینه هنر» در میدان فلسطین، با رویکردی تطبیقی میان حماسه‌های کهن و رجزهای مردم میدان، از گذر «قهرمان فردی» به «قهرمان جمعی» در گفتمان هنری انقلاب اسلامی سخن گفت.بوی در ابتدای سخنان خود، با رویکردی آموزشی و ادبی، به مقایسه شخصیت‌های اساطیری شاهنامه با رجزهای مردم در میدان پرداخت و گفت: به‌عنوان یک معلم ادبیات با شما گفتگو می‌کنم که همیشه برای دانشجویانم از شاهنامه گفته‌ام. رستم را به آن‌ها معرفی کرده‌ام؛ پهلوانی که از هفت‌خوان می‌گذرد و در لحظه‌های دشوار، بار سنگین سرنوشت را بر دوش می‌گذرد. از اسطوره آرش گفته‌ام؛ کمانداری که جانش را در تیر می‌گذارد تا سرنوشت یک سرزمین را رقم بزند. از سیاوش گفته‌ام؛ قهرمانی که پاک‌اش را به بهای جانش حفظ می‌کند.این پژوهشگر با اشاره به تفاوت ساختاری حماسه‌های کهن با حماسه‌های معاصر، گفت: اما در این حماسه‌های کهن، قهرمان یک فرد بود؛ یک چهره داشت؛ یک نام، یک تن، یک صدا بود. قهرمان کار شکوهمندانه‌ای می‌کرد و مردم فقط نگاه می‌کردند. امشب آمدمم تا بگویم شما تاریخ حماسه را تغییر دادید؛ حماسه‌های کهن را به حماسه‌ی نو بدل کردید. رجز خواندید و در رجزهایتان از قهرمان فردی به قهرمان جمعی گذر کردید. شما خودتان با رستم میدان مشارکت کردید. برای او فصل امر به‌کار بردید. با او تقسیم کار کردید. زمانی که گفتید «تم رستم تهمت‌نی، بزن که خوب می‌زنی» رستم را خطاب قرار دادید نه اینکه او را روایت کنید. زمانی که گفتید «میدان با تو، خیابان با ما» حضور فردی او را به حضور جمعی توسعه دادید.حیاتی در ادامه با اشاره به پیشینه پژوهشی خود در حوزه ادبیات و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، بر ضرورت مطالعه علمی رجزهای مردمی به‌عنوان یک گونه ادبی نوظهور تأکید کرد و گفت: رجزهای مردم میدان، نه یک شعار گذرا، بلکه یک متن زنده است که در آن، مرز میان شاعر و مخاطب، میان قهرمان و مردم، برداشته شده است. این پدیده، نیازمند پژوهش‌های جدی در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی است و می‌تواند به عنوان یک الگوی روایی جدید، در محافل علمی و ادبی بین‌المللی معرفی شود.عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در جمع‌بندی سخنان خود، با تأکید بر ابعاد بین‌المللی این تحول گفتمانی، گفت: و کوتاه سخن، اینکه: کشور ما، آفرین بر نبرد نظامی، یک نبرد روایی جدید را با مردم خود به دنیا نشان داد

رضاپردل: سینمای کوتاه از فیلم بلند و سریال جلوزده است



یک خاطره از کودکی، دل‌تنگی برای مادر و فاصله‌ای که یک کودک را به فرار از مدرسه می‌کشاند؛ همین تجربه‌های شخصی دستمایه شکل‌گیری فیلم کوتاه «اسکلت دوست‌داشتنی من» شده است. رضا پردل، کارگردان این فیلم، معتقد است قصه‌هایی که از دل تجربه زیسته فیلم‌ساز بیرون می‌آیند، می‌توانند ارتباط نزدیک‌تری با مخاطب برقرار کنند.او در عین حال، با اشاره به وضعیت امروز سینمای کوتاه ایران، سلامت اقتصادی این حوزه را یکی از عوامل مهم رشد آن می‌داند و می‌گوید سینمای کوتاه در یک دهه اخیر، از نظر حرفه‌ای و تکنیکی پیشرفت قابل توجهی داشته است.

قصه‌ای از دل‌تنگی‌های دوران کودکی پردل درباره شکل‌گیری ایده «اسکلت دوست‌داشتنی من» گفت: می‌خواستم در فضایی که آن را می‌شناسم و زیست کرده‌ام، قصه‌ای تعریف کنم. وقتی آدم سراغ قصه‌ای می‌رود که به آن مسلط است، بهتر می‌تواند جان کلام را منتقل کند و مخاطب را با زیستی که فیلم‌ساز ترسیم می‌کند، آشنا سازد.بوی با اشاره به ریشه‌های شخصی داستان افزود: در دوران کودکی‌ام، مادرم دو شغل داشت و مدت زیادی در خانه نبود. یکی از شغل‌هایش آموزگاری در یکی از مناطق روستایی بود که انرژی زیادی از او می‌گرفت. وقتی هم به خانه برمی‌گشت، هم‌چنان در همان فضای آموزگاری بود و با بچه‌هایی سروکار داشت که نظم دادن به آن‌ها دشوار بود. برای همین، کمی سخت بود که بتواند آن‌طور که باید به نیازهای من بپردازد.این تصویر از دوران کودکی در ذهنم ماند و بعدها بیشتر به آن فکر کردم. حتی با خود مادرم هم درباره‌اش صحبت کردم. در ادامه، کمی اغراق و مهندسی درام به آن اضافه شد و در نهایت، «اسکلتکارگردان فیلم کوتاه «در چشمان یک عاشق» درباره تغییر خاطرات شخصی برای شکل دادن به داستان توضیح داد: برای درام فیلم فکر کردم بهتر

.....

بایکوت اسرائیل در بازار نشر آمریکا؛ انزوای بی‌سابقه ادبیات عبری



آن داشتند، روشن شده است، چرا که انتخاب، ترجمه و انتشار آثار نویسندگان اسرائیلی در جهان رو به کاهش گذاشته است، در مقابل تقاضا برای مطالعه کتاب‌هایی درباره فلسطین در بازار نشر به‌شدت پس از 7 اکتبر 2023 رونق گرفته است و رمان‌ها و کتاب‌هایی با موضوع فلسطین قفسه کتابفروشی‌ها را اشغال کرده‌اند.

با استناد به گزارش انجمن قلم آمریکا برخی از آژانس‌های ادبی مستقر در اورشلیم اعلام کرده‌اند که پیش از این سالانه 5 رمان ادبی به ایالات متحده می‌فروختند، این در حالی است که از دسامبر 2023، آن‌ها حتی یک رمان هم نفروخته‌اند. ویراستاران و مدیران نشرهای ادبی نیز پسدادگی به آثار ارسالی این آژانس‌ها پاسخ نمی‌دهند یا آن‌ها را کاملاً رد می‌کنند. برخی از ویراستاران از آن‌ها خواست‌اند که در آینده آثار نویسندگان اسرائیلی را ارسال نکنند.بر اساس گزارش‌های انجمن قلم آمریکا، بیش از 30 نویسنده اسرائیلی از انزوای فرهنگی رو به گسترش پس از طوفان‌الاقصی سخن گفته‌اند.طی سال‌های گذشته آژانس‌های ادبی و ناشران دولتی و خصوصی تل‌آویو با تکیه بر کمک‌هزینه‌های هنگفت ترجمه، صدها عنوان کتاب عبری را سالانه به زبان‌های مختلف روانه بازار جهانی می‌کردند، اما گزارش‌ها و اعتراضات مکرر ناشران صهیونیست در نشریات خود حاکی از آن است که بسیاری از نویسندگان مطرح جهانی از واگذاری حق ترجمه (که‌یرایت) کتاب‌های جدید خود به ناشران عبری‌زبان خودداری می‌کنند، همان اقدامی که پیش‌تر سالی رونی و آلیس واکر آغازگر آن بودند و اکنون به رویه‌ای فراگیر بدل شده است. شواهد نشان می‌دهد که ناشران برجسته بین‌المللی در اروپا و آمریکای شمالی از خرید حقوق ترجمه آثار نویسندگان اسرائیلی عقب‌نشینی کرده‌اند؛ چرا که بازار جهانی کتاب نمایی به سرمایه‌گذاری روی عناوینی

که نماد یا توجیه‌گر یک سازوکار اشغال‌گراانه هستند، نشان نمی‌دهد. به‌موازات این تحریم، حضور هیئت‌های فرهنگی و نویسندگان صهیونیست در رویدادهایی چون نمایشگاه کتاب فرانکفورت، لندن، ادینبرو و پن‌آمریکا با بحران‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است که از آن جمله می‌توان به برگزاری اعتراضات گسترده در داخل سالن‌های همایش و مقابل محل سخنرانی چهره‌های اسرائیلی، انصراف دسته‌جمعی نویسندگان مستقل غربی و غیرغربی از پنل‌هایی که نمایندگان وابسته به رژیم در آن‌ها حضور دارند، و انحلال یا بحران مدیریت در برخی سازمان‌های باسابقه (نظیر لغو مراسم جوایز پن‌آمریکا پس از انصراف گسترده نامزدها به‌دلیل مواضع منفی‌انه این نهاد در قبال غزه) اشاره کرد. تحریم‌کنندگان فرهنگی اسرائیل در فضای مجازی نیز بسیار فعال بوده‌اند، در سایتهایی چون آمازون و گو‌دریدز بسیاری از مخاطبان دست به تحریم نویسندگان اسرائیلی و آناژاشان زدند؛ درخواست‌های آن‌لاین برای عدم‌طالعه، عدم‌دعوت به مجامع و قطع ارتباط با کسانی که از اسرائیل و صهیونیسم حمایت کردند، رو به فزونی است.البته نهادهای اسرائیلی و طرفدار صهیونیسم نیز بی‌کارت‌ننشست‌اند از حمایت‌های مالی هم‌جانیه برای انتشار آثار اسرائیلی گرفته تا تأدید و ارباع هنرمندان و فعالان و طرفداران فلسطین، لغو و طرد شدن حضور نویسندگان حامی فلسطین در حوزه‌های ادبی و فرهنگی آمریکایی، نمایشگاه‌های چون فرانکفورت و غیره و به وجود آوردن عواقب وخیم برای هنرمندانی که آزادانه حمایت خود را از فلسطین اعلام کردند، از جمله دستگیری، آزار و اذیت و تهدید، تلاش برای اخراج و بازداشت... مجموع این حرکت‌ها نشان می‌دهد ادبیات متعهد دیگر حاضر نیست «استقلال هنر» را سرپوشی برای مشروعیت‌بخشی به اشغال‌گری و پاک‌سازی قومی قرار دهد.



مرگی چنان شهادتِ سنوارم آرزوست!

جمعی از شاعران کشور در دومین سالگرد شهادت یحیی سنوار، فرمانده بزرگ مقاومت فلسطین و معمار حماسه طوفان الاقصی، یاد او را گرامی داشتند و تازه‌ترین سروده‌های خود را به او تقدیم کردند.

تعدادی از این سروده‌ها در ادامه می‌آیند:

نجمه پورملکی

شروع خطبه باران سلام بر یحیی
نسیم صبح شهیدان سلام بر یحیی
سلام مسجدالاقصی سلام آزادی
سلام لحنه طوفان سلام بر یحیی
درون خیمه آوارگان خان یونس
رسیده مژده قرآن سلام بر یحیی
که از زمان تولد درون گهواره
شدی مبارز میدان سلام بر یحیی
کسی ندیده بیوفتد چفته از دوش
میان خاک بیابان سلام بر یحیی
خشب سینه تو حرف دیگری دارد
در آن دقایق پایان سلام بر یحیی
هنوز می‌رسد آواز رزم القسام
شبانه از دل گردان سلام بر یحیی
مقاومت، نفس تازه در فلسطین است
برای رانن شیطان سلام بر یحیی
سلاح آخر تو یک سلاح چوبی بود
شکفته می‌شود از آن سلام بر یحیی
به ریشه‌های درختان سپردمت ای سبز
به ابرهای بهاران سلام بر یحیی
بمان که وعده صادق دوباره در راه است
پیام رهبر ایران سلام بر یحیی

علی مقدم

دل‌تنگم از تملّی و ایثارم آرزوست

دل‌گیرم از فراق که دیدارم آرزوست

گر وصل را به قیمت خون میتوان خرید

در خاک و خون تپیدنِ بسپارم آرزوست

با هر چه هست بر صف اهریمنان زدن

با هر چه هست لذّت پیکارم آرزوست

دستی به خون تپیده و دستی به اسلحه

رزمی چنین میانه آوارم آرزوست

تا آخرین نفس نکشم دست از نبرد

مرگی چنان شهادتِ سنوارم آرزوست

فرزانه قربانی

همیشه می‌خورد غبطه به حال پیکر تو

شهادت را ببیند هر کسی از منظر تو

تپیدن می‌گرفت از گام‌هایت قلب میدان

مگر طوفان‌الاقصی بوده نام دیگر تو؟

گمان کرده که در پستو شدی پنهان، ولیکن

به میدان آمده از شوق خنجرها سر تو

تو با آزادی دریند زندان‌ها چه کردی؟

که می‌گیرد سراغ آسمان را از پر تو

نشان دادی که مرد جنگ و پیکار و قیامی

همین که در کف میدان بنا شد سنگر تو

همین چفیه که دور گردنت داری سراخر

بسازد سنّیل از آن چهره جنگاور تو

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاعی | گرافیست و صفحه آرآ | آزاد عبداللهی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۸ - ۰۹۹۳۱۲۶۱۳۴ | آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۴
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴



مسکن پایتخت

علیرضا زاکانی با اشاره به طرح مسکن، اظهار کرد: شهرداری می‌خواهد با استفاده از دارایی‌ها، ظرفیت‌ها و اعتبار خود وارد عمل شود و شرایطی فراهم کند که مردم بی‌پناه نمانند؛

۷

انزوی بی‌سابقه ادبیات عبری

پاییز ۲۰۲۴ جهان شاهد بزرگترین تحریم فرهنگی علیه اسرائیل با امضای یک‌هزار نویسنده مطرح جهانی بود، نویسندگانی در سراسر دنیا از جمله برندگان جوایز نوبل، بوکر، پولیتزر و جایزه ملی کتاب، تحریم گسترده‌ای را علیه ناشران اسرائیلی آغاز کردند

۶

بختیاری زاده: درست نبود با گل گهر بازی کنیم / قطری‌ها شکایتی نکردند!

سهراب بختیاری‌زاده در نشست خبری پیش از دیدار تیم فوتبال استقلال مقابل گل گهر سیرجان در هفته نهم لیگ برتر فوتبال، اظهار داشت: فردا بازی مهمی با یک تیم خوب، دهنده و پرتلاش داریم. امیدوارم در ابتدا منظم و خوب بازی کنیم و سپس با احترام به حریف برنده شویم. هدف اصلی‌مان خوشحالی هواداران است. وی در مورد اینکه در گذشته با مهدی رحمتی در تیم پدیده مشهد دچار اختلاف شده بود، گفت: هیچ کدورتی نیست. اتفاقاً پس از آن زمان کوتاه که رحمتی سرمربی بود و تیمش به آسیا رفت، اولین نفری بودم که مصاحبه کرده و برای او آرزوی موفقیت کردم. در فوتبال حرفه‌ای، برخی مواقع باید تصمیماتی به سود تیم بگیرید. رحمتی فوتبالیست بزرگی بود و در این چند سال در تیم‌های خیبر خرم‌آباد و شمس آذر قزوین نشان داد مربی آینده‌داری است. چیزی که برای بازی فردا مهم است، جدا از اینکه گل‌گهر بازیکنان باانگیزه‌ای دارد، رحمتی نیز نشان داده با شمس آذر و خیبر مقابل تیم‌های بزرگ نتیجه گرفته است و این مسئله می‌تواند برای خطر ساز باشد. سرمربی تیم فوتبال استقلال درباره آخرین وضعیت مصدومان تیمش عنوان کرد: قبل از بازی با العرافه، پاسر آسانی مصدوم بود، اما برای دقایقی به ما کمک کرد. یکی دو بازیکن دیگر مصدوم شدند که خدا را شکر این بازیکنان با تفکر حرفه‌ای و اینکه عاشقانه تیم‌شان را دوست دارند، برگشتند و مصدوم آنچنانی نداریم. فقط درخصوص یک بازیکن ممکن است احتیاط کرده و کمتر به او بازی بدهم. بختیاری‌زاده در واکنش به این موضوع که خط حمله استقلال برخلاف خط دفاعی، انتظارات را برآورده نکرده است، گفت: اولاً باید بگویم که خدا می‌داند از بازیکنان خط حمله و وینگرها راضی هستم، چون تلاش می‌کنند بهترین عملکرد را داشته باشند. برخی مواقع توپ‌ها گل نمی‌شود، ولی یک چیزهایی برای من مهم است؛ اگر تیم ما کم گل می‌خورد، فقط تلاش دروازه‌بان نیست. نگاه من این است که وقتی تیم توپ را در اختیار دارد، همه باید مشارکت داشته باشند که اگر آن را از دست دادند، در گرفتن آن کمک کنند. اگر تیم کم گل می‌خورد، یک بخش آن به دوندگی بازیکنان خط حمله است.



موافقت مشروط دھوک با جدایی گل محمدی

● رسانه اربیل عراق مدعی شد که مدیران فدراسیون فوتبال نشستنی با مقامات باشگاه دھوک عراق برای صدور رضایت‌نامه یحیی گل محمدی برگزار کردند. مطابق گزارش این رسانه، سران باشگاه دھوک عراق در صورت برآورده شدن برخی از شرایط باشگاه حاضر هستند که به جدایی گل محمدی رضایت بدهند.

● البته این رسانه به شروط باشگاه عراقی اشاره‌ای نکرد. این رسانه نوشت که مدیران دھوک در حال ارزیابی شرایط تیم فوتبال این باشگاه هستند و تا ۴۸ ساعت آینده، تصمیم نهایی خود را درباره پایان همکاری با گل محمدی خواهند گرفت

● دھوک در فصل جاری لیگ ستارگان عراق با هدایت یحیی گل محمدی، ۱۲ امتیاز کسب کرده و در جایگاه دهم جدول ۲۰ تیمی لیگ ستارگان عراق قرار گرفته است.

شہوت با، افراد نادان را برده خود می‌سازند



انتخابات ژیمناستیک برگزار می‌شود؟

طبق اعلام وزارت ورزش و جوانان قرار است فردا دوشنبه ۲۷ مهر انتخابات فدراسیون ژیمناستیک برگزار شود اما یک اتفاق این موضوع را تحت تاثیر قرار داده است. زهرا اینچدرگاهی چندی پیش با حکم دادگاه از سمت خود تعلیق شد؛ دلیل این موضوع پرونده مربوط به ۲۲ هزار یورویی بود که در مورد این مدیر تشکیل شده بود. از همین رو در همان زمان و با رأی مجمع فدراسیون وجیهه نقوی به عنوان سرپرست فدراسیون انتخاب شد. اینچدرگاهی در ادامه رأی برائت در این پرونده گرفت اما این رأی با اعتراض وزارت ورزش مواجه شد و همچنان در جریان است. با توجه به این اتفاقات اینچدرگاهی نسبت به برگزاری انتخابات اعتراض کرد و از شعبه ۸۹ مجتمع قضایی صدر دستور موقت گرفت به این معنا که انتخابات نباید برگزار شود.

معیار انتخاب مرد سال آسیا چیست؟

این بازی‌ها، 35 امتیاز دارد. سالم الدوسری هم تاکنون 34 امتیاز گرفته و در نهایت همه گزینه‌ها در کمیته فنی بررسی می‌شوند. مطابق گزارش خبرگزاری «الشرق الاوسط»، معیارهای سال 2024 نشان می‌دهد که به بهترین بازیکن یک مسابقه در جام جهانی 60 امتیاز تعلق می‌گیرد و برای همین عنوان در جام ملت‌های آسیا 40 امتیاز، دور چهارم مقدماتی جام جهانی 25 امتیاز، دور سوم مقدماتی جام جهانی 20 امتیاز، دور نهایی مقدماتی جام ملت‌های آسیا 20 امتیاز، بازی‌های المپیک 20 امتیاز، لیگ قهرمانان آسیا (لیگ نخبگان آسیای فعلی) 15 امتیاز و در AFC CUP (لیگ قهرمانان آسیا 2 فعلی) 10 امتیاز در نظر گرفته شده است.

البته این اعداد به معیارهای سال 2024 مربوط می‌شود و نمی‌توان آن را جدول امتیازدهی نهایی سال 2026 دانست. در آیین‌نامه جوایز بازیکنان و مربیان در سال 2026 تنها ذکر شده که نتایج تیم‌های ملی و باشگاهی و نیز دستاوردهای فردی در تعیین فرد برنده تأثیرگذار است. سیستم سال 2024 همچنین 10 و 5 امتیاز به ازای کارت‌های قرمز و زرد از بازیکنان کسر می‌کند. همچنین تعداد گل‌های زده مهاجمان و هافبک‌ها به‌عنوان معیاری برای انتخاب نهایی، در صورت تساوی امتیازات در نظر گرفته می‌شود.

مراسم برترین‌های سال 2026 فوتبال آسیا در روز 28 آبان در شهر بانکوک تایلند برگزار خواهد شد.

علیرضا بیرانوند برای کسب جایزه بهترین بازیکن سال 2026 فوتبال آسیا با دو بازیکن تیم ملی فوتبال عربستان یعنی سالم الدوسری و فراس البریکان رقابت می‌کند. انتخاب مرد سال فوتبال آسیا، سوژه برنامه «فی المرمی» در شبکه تلویزیونی «العربیة» عربستان بود. عادل البطی کارشناس این برنامه با اشاره به معیارهایی که AFC برای انتخاب بهترین بازیکن قاره کهن در نظر گرفته، دروازه‌بان تیم ملی ایران را مدعی اصلی این جایزه دانست. وی در این باره گفت: جایزه بر اساس معیارها اهدا می‌شود. البته معیارها همیشه لزوماً به نتیجه منتهی نمی‌شوند، اما باید بازیکنان را بر اساس همین موارد بررسی کنیم. رقابت بین فراس و سالم بر سر اعداد و امتیازاتی است که از طریق مسابقات تیمی به دست آورده‌اند و به نظرم دروازه‌بان ایرانی (در رقابت با الدوسری و البریکان برای کسب جایزه) خطرناک‌ترین گزینه است.

زمانی که مجری برنامه گفت که بیرانوند بر اساس شاخص‌های تعیین شده نفر اول این فهرست به شمار می‌رود، البطی این صحبت را تأیید کرد و گفت: بله؛ چون این بازیکن عنوان بهترین بازیکن مسابقه با بلژیک در جام جهانی 2026 را کسب کرد. البریکان در لیگ نخبگان آسیا با تیمش (الاهلی که قهرمان لیگ نخبگان آسیا شد) 30 امتیاز به دست آورده و به لطف کسب 5 امتیاز با انتخاب به‌عنوان بهترین بازیکن زمین در یکی از

